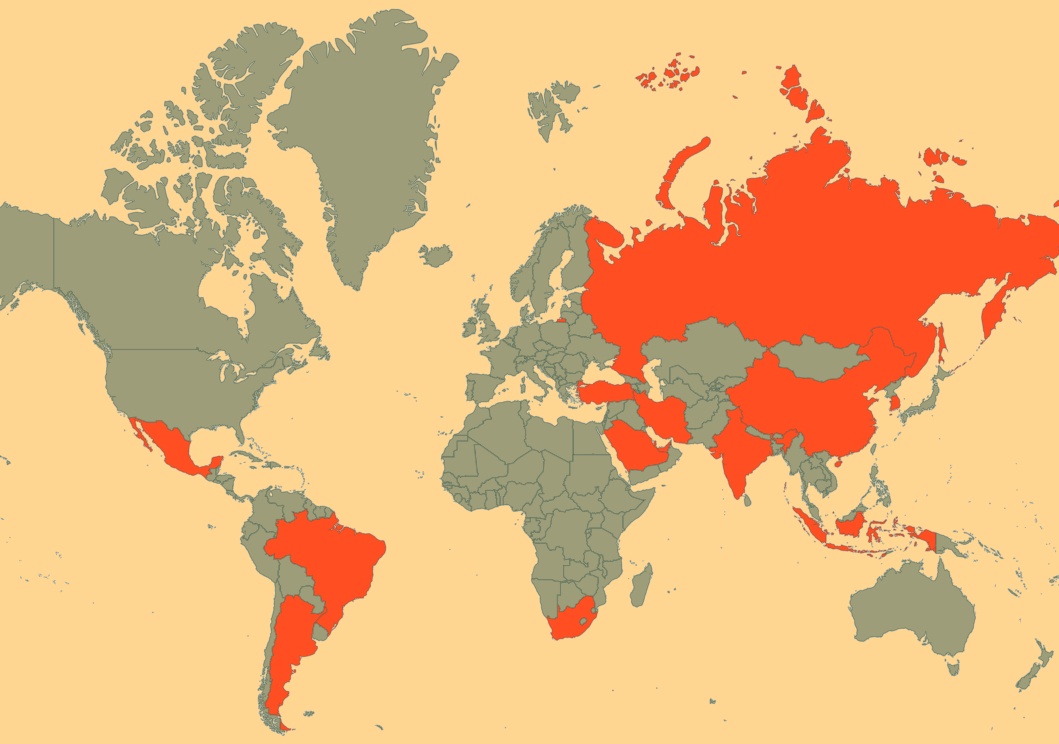


# در باره پیدایش کشورهای جدید امپریالیستی

اشتفان انگل



اشتفان انگل

دربارهٔ پیدایش

کشورهای جدید امپریالیستی

انتشارات راه نوین

Verlag Neuer Weg

اشتفان انگل (Stefan Engel) ، گابی فشتنر (Gabi Fechtner) ،  
مونیکا گرتنر -انگل (Monika Gärtner-Engel) ،  
اسکار فینک بونر (Oskar Finkbohner) ، کلاوس آرنکه (Klaus Arnecke)  
درباره پیدایش کشورهای جدید امپریالیستی  
انتشارات راه نوین Verlag Neuer Weg  
در گروه رسانه ای راه نوین In der Mediengruppe Neuer Weg GmbH  
Alte Bottroper Str. 42, 45356 Essen  
verlag@neuerweg.de  
www.neuerweg.de  
تدوین کلی:  
گروه رسانه ای راه نوین Neuer Weg GmbH  
ISBN 978-3-88021- 511- 5

## فهرست مطالب

# دربارهٔ پیدایش کشورهای جدید امپریالیستی

پیشگفتار.....	5
مقدمه.....	6
I- پیدایش کشورهای جدید امپریالیستی، ویژگی اساسی سیستم جهانی امپریالیستی است.....	8
II- تغییرات در اقتصاد و ساختار طبقاتی کشورهای تحت ستم.....	10
III- سازمان جدید تولید بین‌المللی و پیدایش کشورهای جدید امپریالیستی.....	14
1- انحصارات بومی از وابستگی یکجانبه به سوی نفوذ متقابل با سرمایه مالی بین‌المللی.....	18
2- راه برون رفت از وابستگی جدید مستعمراتی امپریالیسم به سوی استقلال به صورت کشورهای جدید امپریالیستی.....	19
3- بحران مستعمراتی جدید، حاکمیت یکه تازانه امپریالیست‌های قدیم را به خاک می‌سپارد.....	20
IV- بحران اقتصادی و مالی جهانی ۲۰۰۸ - ۲۰۱۴ به مثابه موتور پیدایش و تکامل سریع کشورهای جدید امپریالیستی.....	24
V- چند کشور جدید امپریالیستی به ویژه مهاجم.....	31
- چین قوی‌ترین کشور جدید امپریالیستی.....	31
- برآمد مجدد روسیه جدید امپریالیستی.....	38
- سلطه نو امپریالیستی هند بر شبه قاره هند.....	42
4- ترکیه جدید امپریالیستی در منطقه اتصال بین اروپا و آسیا.....	46
VI- مبارزه ضروری علیه سوسیال شوینیسیم، اپورتونیسیم و دکماتیسیم.....	53
VII- کیفیت جدید بحران ذاتی و عمومی امپریالیسم.....	58
مجموعه نقل قول‌های مهم ولادیمیر ایلچ لنین.....	63



## پیشگفتار

تحلیل پیدایش و تکامل یک سری از کشورهای جدید امپریالیستی ضروری گشته است، زیرا این پدیده جدید، ساختار تا کنونی سیستم امپریالیستی جهان را به طور مؤثری زیر سؤال می برد.

حزب مارکسیست - لنینیست آلمان (MLPD) از ۱۹۶۹ بر اساس تحلیل استوار لنین از امپریالیسم، پدیده‌های جدید و تغییرات بنیادی را با شیوه دیالکتیک ماتریالیستی به طور اساسی و مشخص مورد بررسی قرار داده است: سرمایه‌داری انحصاری دولتی در آلمان، بازسازی سرمایه‌داری در اتحاد شوروی و چین، پیدایش استعمار جدید، سازمان جدید تولید بین‌المللی و رشد بحران محیط زیست. «ضمیمه آبی» حاضر، بر مبنای خط مشی تدوین شده ایدئولوژیک - سیاسی در اسناد برنامه‌ای و سیستم ارگان تئوریک REVOLUTIONÄRER WEG تدوین گردیده و تکامل می‌یابد.

کتاب «سپیده دم انقلاب بین‌المللی سوسیالیستی» برای اولین بار در سال ۲۰۱۱ تز شکل‌گیری و تکامل کشورهای جدید امپریالیستی را طرح نمود. تحلیل حاضر در تدقیق این تز مستدل، مدارکی علمی ارائه می‌دهد

این تحلیل نوشته‌ایست در خدمت دامن زدن به بحث آگاهی‌دهنده در بین کارگران، زنان و جوانان و علاوه بر آن، تعیین جایگاه MLPD در قبال انقلابیون و جنبش کارگری بین‌المللی برای بحث در صدمین سالگرد انقلاب اکتبر روسیه.

ژوئیه ۲۰۱۷

اشتفان انگل

## مقدمه

جهان را ناآرامی‌های بزرگ، درگیری‌های چشمگیر، مبارزات توده‌ای و چرخش‌های غیر منتظره فرا گرفته است. بسیاری از انسان‌ها نسبت به آینده‌شان در نگرانی عظیمی به سر می‌برند: نگرانی از رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ، برپایی دیکتاتوری فاشیستی در ترکیه، جنگ بی انتها در سوریه، درگیری‌های جنگی در اوکراین، تحریمات آمریکا و چین در دریای جنوب چین و تشدید چشمگیر تضادها بر سر شبه جزیره کره و در این رابطه تهدید به جنگ اتمی از طرف آمریکا و کره شمالی. و باز هم نگرانی، زیرا که انحصارات بین‌المللی عمداً و غیر مسئولانه جهت افزایش بالاترین سود، انهدام وحدت انسان و طبیعت را در پیش گرفته‌اند.

در اروپا از سال ۲۰۱۵ هر روز تعداد بیش‌تری از دولت‌ها تحت فشار بحران سیاست بورژوازی‌شان در مورد مهاجرت، آشکارا به راست غلنیده و می‌غلتنند. حکومت مرکل - گابریل (Merkel - Gabriel) در آلمان نیز از آن جمله‌اند. آن‌ها این امر را با ادعای «مبارزه علیه تروریسم» توجیه می‌کنند. آن‌ها بر این زمینه در همه جا آشکارا جنبش‌ها و احزاب ارتجاعی، نژادپرست، ناسیونالیست تا شبه فاشیست را آنچنان تقویت می‌کنند، که از جنگ جهانی دوم تا کنون بی سابقه است.

همزمان با آن ما آغاز یک جو مرفقی را در بین طبقه کارگر و توده‌های وسیع شاهدیم. اکنون این جنبش در گستردگی، تنوع و محتوایش، اعتراضات علیه جنگ ویتنام در سال‌های ۱۹۷۰ را با فاصله زیاد پشت سر می‌گذارد. یک جنبش جوانان نوین، فرامی و منتقد اجتماعی، صدها هزار را در برمیگیرد و این اعتلای نوین جنبش بین‌المللی انقلابی و کارگری را خبر می‌دهد. همه این‌ها از کجا نشأت می‌گیرند؟ و چگونه ارزیابی می‌شوند؟

ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی بر آن است، که علل تغییرات اجتماعی و دگرگونی‌ها را نباید در اندیشه یا برنامه سیاستمداران حاکم یا در کشف ایده‌ها و فلسفه‌های جدید جستجو کرد. بنیان مادی تغییرات اجتماعی هر چه بیش‌تر در زیربنای اقتصادی

جامعه و در تکامل متضاد شیوه تولید است. در این رابطه، امروزه پیدایش یک سری از کشورهای جدید امپریالیستی مسئله کلیدیست. این واقعیت همانند علل ریشه‌ای و تأثیرات آن‌ها مسئله را قابل فهم می‌کند. در غیر این صورت درک تغییرات کنونی اوضاع جهان و ناشی از آن اتخاذ نتایج صحیح برای مبارزه طبقاتی و آینده بشریت غیر ممکن است.

حزب مارکسیست - لنینیست آلمان (MLPD) در تحلیل‌هایش به طور اساسی ۱۴ کشور را به عنوان کشورهای جدید امپریالیستی مشخص می‌کند؛ آن‌ها در بزرگی و درجه رشد متفاوتند و دارای ساختار و تاریخ متفاوت اقتصاد سیاسی می‌باشند: از قبیل دولت‌های بریکس (BRICS-Countries): برزیل (Brazil)، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی؛ کشورهای میست (MIST): مکزیک، اندونزی، کره جنوبی و ترکیه و هم چنین آرژانتین، عربستان سعودی، قطر (Qatar)، امارات متحده عربی و ایران. این کشورها خصوصیات جدید امپریالیستی‌شان را در هماهنگی با جدیدترین تکاملات اجتماعی، در مقطع زمانی مشخصی رشد دادند. ۳,۷ میلیارد انسان، بیش از نیمی از جمعیت جهان، در این ۱۴ کشور زندگی می‌کنند. پروسه ظهور کشورهای جدید امپریالیستی خود را در یک سری از کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد. لیکن مطلب آخر اهمیتی در این تحلیل ندارد.



## I- پیدایش کشورهای جدید امپریالیستی، ویژگی اساسی سیستم جهانی امپریالیستی است.

لنین در سال ۱۹۱۶ در تحلیل‌اش از امپریالیسم نشان می‌دهد، که عصر جدیدی در تکامل سرمایه‌داری آغاز شده است: گذار از سرمایه‌داری رقابت آزاد به امپریالیسم سرمایه‌داری انحصاری.

در آخرین سه دهه قرن نوزدهم پروسه پیدایش یک سری کشورهای امپریالیستی مثل انگلستان یا فرانسه آغاز گردید. قبلاً در انگلستان در اواسط قرن نوزدهم «حداقل دو مشخصه از مهم‌ترین مشخصات امپریالیسم»<sup>۱</sup> وجود داشت. اما لنین در این مورد می‌گوید، که امپریالیسم سرمایه‌داری فقط در آغاز قرن بیستم «به بلوغ کامل خود»<sup>۲</sup> رسید.

زمانی که او در سال ۱۹۱۶ امپریالیسم را تحلیل می‌کند، قبل از همه به آلمان جدید امپریالیستی توجه دارد. آلمان فقط تعداد اندکی مستعمره در اختیار داشت. لذا خصوصیت جدید امپریالیستی آن برجسته‌تر شد: **سیادت سرمایه مالی به مثابه زیربنای تعیین‌کننده اقتصادی - سیاسی.**

انگلستان کشوری بود، که «ثروتش را... در درجه اول از طریق استثمار تعداد بی شماری مستعمرات، از طریق قدرت بی انتهای بانک‌های انگلیسی»<sup>۳</sup> به دست آورده بود. برعکس، آلمان از ۱۸۷۱ خیلی سریع و بسیار پویاتر از انگلستان به یک قدرت بزرگ سرمایه‌داری تکامل یافت. تولید صنعتی‌اش جهشی افزایش یافت، کارخانجات بزرگ با هزاران کارکن ایجاد شد و نیاز به منابع مواد خام و مناطق فروش شدیداً افزایش یافت. آمریکا و ژاپن در کنار آلمان به گروه جدید امپریالیستی تعلق داشتند. مزیت آن‌ها نسبت به گروه کشورهای امپریالیستی قدیمی بر **شیوه تولید پیشرفته**

۱- «امپریالیسم و انشعاب سوسیالیسم» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۳ - صفحه ۱۰۹  
 ۲- «انقلاب پرولتاری و کائوتسکی مرتد» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۸ - صفحه ۲۳۷  
 ۳- «جنگ و انقلاب» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۴ صفحه ۴۰۰

سرمایه‌داری مبتنی بود، آن‌ها «شیوه جدیدی را در تکامل تولید سرمایه‌داری، تکنیک بهتر و سازمان غیر قابل مقایسه‌ای را در مبارزه...»<sup>۴</sup> به وجود آوردند. مضرت آن‌ها: مستعمراتی که به خاطر منابع مواد خام و بازار فروش برایشان غیر قابل چشم پوشی بود، بین امپریالیست‌های قدیمی تقسیم شده بود. این امر تمایل شدیدی جهت تقسیم مجدد جهان به وجود آورد و آن‌ها را به ویژه مهاجم ساخت.

لنین در اثر مشهورش "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری" یک تعریف کلی ارائه می‌دهد: «اگر به تعریف حتی المقدور کوتاهی برای امپریالیسم نیاز باشد، باید گفته شود که **امپریالیسم مرحله انحصاری سرمایه‌داری است**»<sup>۵</sup>.

لنین تحت واژه‌های انحصار و سرمایه مالی «سرمایه بانکی تعداد اندکی از بانک‌های بزرگ انحصاری، که با سرمایه اتحادیه‌های صنعتی انحصاری در هم ذوب شده‌اند» و هم چنین «تقسیم جهان... جهت سیاست مستعمراتی تسلط انحصاری بر سرزمین‌های جهان کاملاً تقسیم شده»<sup>۶</sup> را می‌فهمد.

بنابراین کشورهای امپریالیستی آن‌هائی هستند، که اقتصادشان توسط انحصارات تعیین می‌شود، در این کشورها انحصارات دولت را هر چه بیش‌تر تابع خود نموده و جهت حاکمیت بر سرزمین‌ها و کشورها تلاش می‌کنند.

شاخص این «جدیدترین سرمایه‌داری» **صدور سرمایه** است. و این بنیان تعیین کننده اقتصادی‌ای است، که بر آن، امپریالیسم، کشورهای دیگر را استثمار می‌کند و تحت ستم قرار می‌دهد. در سرمایه‌داری رقابت آزاد اساساً مسئله هنوز بر سر **صدور کالا** بود.

در تاریخ امپریالیسم تحت شرایط مشخصی کشورهای جدید امپریالیستی دائماً از مستعمرات دوران گذشته به وجود آمدند، مثل آمریکا، کانادا و استرالیا. بدین جهت دکماتیستی خواهد بود، که تقسیم کشورها به ستمگر و ستمکش یک بار و برای همیشه لایتغیر در نظر گرفته شود.

۴- «جنگ و انقلاب» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۴ - صفحه ۴۰۱

۵- «امپریالیسم به مثابه...» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۲ صفحه ۲۷۰ - تأکید از نویسنده

۶- «امپریالیسم به مثابه...» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۲ صفحه ۲۷۰

## II- تغییرات در اقتصاد و ساختار طبقاتی کشورهای تحت ستم

در زمان لنین حدوداً ۲۰ کشور سرمایه‌داری وجود داشت. امروز تقریباً در همه کشورهای روی زمین شیوه تولید سرمایه‌داری حاکم است. این نتیجه قانونمند پیروزی سرمایه‌داری بر فئودالیسم است.

سیاست مستعمراتی سرمایه‌داری - امپریالیستی در رابطه بود با حجیم شدن دستگاه قدرت و رشد عظیم تولید سلاح. بدین جهت دولت همیشه اهمیت بالاتری کسب می‌کرد. نقش آن نیز از نماینده خواست‌های کل سرمایه به نماینده خواست‌های تعداد انگشت شماری سرمایه‌داران انحصاری دگرگون گشته بود. لنین با در نظر داشت اقتصاد جنگی امپریالیستی، سال ۱۹۱۷ را آغاز گذار سرمایه‌داری انحصاری به سرمایه داری انحصاری دولتی معین کرد:

«سرمایه‌داری انحصاری به سرمایه‌داری انحصاری دولتی تبدیل می‌شود، یک سری از کشورها تحت فشار مناسبات، تنظیم عمومی تولید و توزیع را به عهده می‌گیرند، بعضی از آن‌ها وظیفه کار عمومی را انجام می‌هند.<sup>۷</sup> پیش از جنگ، انحصار، تراست و سندیکا وجود داشت، و در جریان جنگ - انحصار دولتی.»<sup>۷</sup>

در جریان جنگ جهانی دوم در تمام کشورهای امپریالیستی گذار سرمایه‌داری انحصاری به امپریالیسم انحصاری دولتی بلوغ خود را یافت. ویلی دیکهوت (Willi Dickhut) در سال ۱۹۷۹ این کیفیت نوین نظم اجتماعی سرمایه‌داری را در کتاب «سرمایه‌داری انحصاری دولتی در آلمان، قسمت یکم» چنین تعریف می‌کند:

«سرمایه‌داری انحصاری دولتی یعنی تبعیت کامل دولت از سیادت انحصارات، ذوب شدن ارگان‌های انحصارات با ارگان‌های دستگاه دولتی و برقراری قدرت اقتصادی سیاسی انحصارات بر تمام جامعه.» (صفحه ۶۲)

این زیربنای قدرت انحصاری دولت «بالاترین شکل سازمان دولت ملی سرمایه‌داری

۷- سخنرانی در مورد موقعیت کنونی در رابطه با بیانیه - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۴ - صفحه ۲۹۸ - تأکید از نویسنده

است»<sup>۸</sup>. این بود زیر بنای اساسی، به ویژه برای بین‌المللی کردن جهشی شیوه تولید سرمایه‌داری. این یعنی یک مرحله نوین تکامل سیستم جهانی امپریالیستی. مبارزات آزادیبخش ملی بعد از جنگ جهانی دوم سیستم مستعمراتی کهن را درهم کوبید. از این به بعد صدور سرمایه، شیوه غالب سیاست مستعمراتی امپریالیستی شد. لذا مستعمرات دولتی مستقل گذشته - بیش‌تر فرمال - تحت تسلط انحصارات بین‌المللی باقی ماند. بدین ترتیب استعمار نوین به وجود آمد، که کشورهای در حال توسعه را به صورت مناطق سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌های اضافه به انقیاد خود درمی‌آورد.

پیش از ۱۹۴۵ فقط چند صد انحصار دولتی در سطح جهان وجود داشت. در ۱۹۶۹ شمار انحصارات ۷۳۰۰ و شرکت‌های دخترشان ۲۷۳۰۰ عدد بود. پروسه تقسیم پرشتاب جهان توسط انحصارات بین‌المللی، که از زمان لنین شروع شده بود، اکنون خصوصیات اقتصاد جهان را مشخص می‌کند.

صدور سرمایه به کشورهای امپریالیستی برای انحصارات بین‌المللی جذابیت ویژه‌ای دارد، زیرا در آن جا ولع به سرمایه به خاطر تولید پیشرفته بسیار چشمگیر است. این امر نفوذ متقابل و درهم آمیختگی سرمایه امپریالیستی را خارق‌العاده شتاب داده و موتوری می‌شود برای بین‌المللی شدن پرشتاب تولید سرمایه‌داری.

برعکس صدور سرمایه به مستعمرات، خود را در پرارزش‌ترین پروژه‌ها به مفهوم حداکثر سود متمرکز می‌کرد. ویلی دیکهوت دقیقاً اهداف و شیوه‌ها را چنین نشان می‌دهد:

«منابع مواد خام، مناطق فروش و سرمایه‌گذاری، این است اهداف امپریالیستی همه سرمایه‌داران انحصاری. برای امپریالیست‌ها استفاده از هر وسیله‌ای جهت رسیدن به این اهداف قابل توجیه است، کلک‌های دیپلماتیک، رشوه دادن، مشارکت در سود، اخاذی، تهدید، اقدام به قتل، تعویض رژیم‌ها به وسیله فساد، سرنگونی نظامی به کمک افسران فاسد، یورش نظامی از خارج توسط مزدوران

(Söldner) یا دستجات نظامی خودی و غیره و غیره.<sup>۹</sup>

با گسترش شیوه تولید سرمایه داری، در کشورهای نو استعماری وابسته، **بورژوازی ملی و پرولتاریای صنعتی** ایست ناپذیر تکامل می‌یابند. بورژوازی بومی با کمک وام از کشورهای امپریالیستی، صندوق پول بین‌المللی (IWF) یا بانک جهانی تعداد زیادی کارخانه‌های تولید صنعتی می‌سازد.

اما با برپا کردن یک صنعت سرمایه‌داری، این صنعت به طور قانونمند و جبری به سوی انباشت و تمرکز سرمایه پیش می‌رود. از **درآمیختگی فشرده** بورژوازی ملی - یا خواست‌هایش - **با کنسرن‌های بین‌المللی - کنسرن‌های ملی** خصوصی، نیمه دولتی و انحصارات دولتی تکامل می‌یابد. ما در این باره در ۱۹۹۳ در کتاب "استعمار جدید و تغییر در مبارزه آزادی بخش ملی" نوشتیم که «در یک سری از کشورها مثل آرژانتین، هند و کره جنوبی (Süd Korea)، «سرمایه بزرگ کشورهای تحت ستم به درجات متفاوت تابع امپریالیست‌ها (است). این تابعیت توسط خودشان کنترل می‌شود و تبدیل به ابزاری می‌گردد جهت اعمال حاکمیت سرمایه مالی بین‌المللی بر این جوامع.» (صفحه ۱۲۱)

**پیش شرط اساسی جهت پیدایش این انحصارات بومی** در یک سری از کشورهای مستعمراتی جدید وابسته، ادغام مالکین ارضی بزرگ سرمایه‌دار با صنعت، بانک و سرمایه تجاری بود. این در مورد کشورهایایی است که بر اساس پیش شرط‌های اقتصاد سیاسی شان، توجه ویژه سرمایه انحصاری بین‌المللی را جهت صدور سرمایه به خود جلب می‌کنند. بیشتر این کشورها، گسترده، سرشار از مواد خام و پر جمعیت بودند، به علت مناسبات تولیدی نسبتاً پیشرفته سرمایه داری، دارای ساختار نسبتاً پیشرفته، ظرفیت بالای نیروی کارگری یا پیش شرط‌هایی برای بازار فروش روبه گسترش بودند. این آخرین نکته، قبل از هر چیز از تحول یک اقتصاد کشاورزی عقب مانده خرده دهقانی به **تولید کشاورزی سرمایه داری** پدید آمد.

**پیدایش انحصارات داخلی نقطه حرکت اساسی اقتصادی‌ای بود جهت پیدایش کشورهای جدید امپریالیستی.**

در سال ۱۹۸۰ در برزیل، مکزیک، آرژانتین، هند، آفریقای جنوبی، ترکیه و کره

جنوبی ۲۱ انحصار بین‌المللی وجود داشت، ۱۹۹۹ تعداد آن‌ها ۲۸ عدد بود.<sup>۱۰</sup> این انحصارات اساساً هنور هم تابع امپریالیست‌ها بودند و بر مبنای خواست آن‌ها نفوذی را بر تصمیمات دولتی اعمال می‌کردند که عمدتاً مهر امپریالیسم بر آن خورده بود.

### III- سازمان جدید تولید بین‌المللی و پیدایش کشورهای جدید امپریالیستی

کشورهای مستعمراتی جدید می‌بایست برای انحصارات بین‌المللی با نیروی کار ارزان محصولات نیمه تمام تولید کنند، مواد خام خود را ارزان به آن‌ها بفروشند و یا مجبور باشند کالای ویژه‌ای را از آن‌ها دریافت نمایند. قدرت‌های امپریالیستی همچنین با ارتش به این کشورها افسار می‌زدند، این کشورها را به خرید تجهیزات نظامی مجبور می‌نمودند و آن‌ها را به وسیله مستشاری نظامی سختگیرانه رهبری کرده، وارد درگیری‌ها و یا اتحادیه‌های نظامی می‌کردند.

بخش بزرگ ارزش اضافه غارت شده از کارگران صنعتی و کشاورزی این کشورها به صندوق انحصارهای بین‌المللی می‌ریخت. کشورهای مستعمراتی جدید وابسته می‌بایست به علت کمبود سرمایه، اعتباری را که بخشی از آن بسیار بالا و باز پرداخت‌اش غیر ممکن بود، از بانک‌های بزرگ انحصاری خارجی دریافت کنند. نتیجه آن **بحران استغراضی** عظیمی بود، که به یک **بحران عمیق مستعمراتی جدید** رشد می‌کرد. سهم کشورهای مستعمراتی جدید وابسته در جمعیت جهان از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ از ۷۴ به ۷۶ درصد رشد کرد. سهم اقتصاد آن‌ها در تولید جامعه جهانی در همین مدت از ۲۳ به ۱۷ درصد افت نشان داد.<sup>۱۱</sup>

کشورهای امپریالیستی در آغاز دهه ۹۰ قرن گذشته به این مسئله با سیاست **نئولیبرالیسم** پاسخ دادند. بدین وسیله آن‌ها می‌خواستند با تأثیرات این بحران مقابله کنند و به رشد بیشتر بازارها در کشورهای مستعمراتی وابسته تداوم ببخشند. نتیجه این که: اقتصاد این کشورها هر چه کامل‌تر تحت انقیاد پروسه بین‌المللی تولید و تجدید تولید کشورهای امپریالیستی و انحصارات بین‌المللی درآمد. در این جریان بازارهای جدید و امکانات سرمایه‌گذاری سرمایه اضافی انحصارات بین‌المللی نیز به وجود آمد.

۱۱- «استعمار نوین و تغییرات در مبارزات آزادیبخش ملی» - صفحه ۲۸۱

از اواسط سال‌های ۸۰ قرن گذشته وسیله اساسی برای این امر خصوصی سازی شرکت‌های دولتی بود. از ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ تنها در آمریکای لاتین بیش از هزار شرکت دولتی، مجموعاً به بهای تقریباً ۱۵۰ میلیارد دلار، فروخته شد.<sup>۱۲</sup> ما در سال ۲۰۰۳ در کتاب «غروب خدایان بر فراز <نظم نوین جهانی>» نوشتیم:

«در خصوصی کردن و در حراج شرکت‌های دولتی به انحصارات

بین‌المللی هسته سازمان جدید تولید بین‌المللی خود را در کشورهای نو استعماری آشکار می‌سازد. ابعاد این فروش در افزایش عظیم سرمایه گذاری مستقیم خارجی خود را نشان می‌دهد. انحصارات خارجی سرمایه گذاری خود را در این کشورها از ۱۱۵ میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۸۰ به ۱۲۰۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، یعنی ده برابر افزایش

دادند.» (صفحه ۳۹۰)

امروزه ۱۱۴ هزار انحصار بین‌المللی با حدود ۹۰۰ هزار شرکت دختر و از این مجموعه ۵۰۰ مافوق انحصار (Übermonopole) بین‌المللی به عنوان قشر رهبر کننده و سیادت سرمایه مالی بین‌المللی، چهره اقتصادی جهان را مهر می‌زند.<sup>۱۳</sup> این شکل‌گیری انحصاری تولید سرمایه‌داری در گستره‌ای عظیم است.

سازمان جدید تولید بین‌المللی از سال‌های ۹۰ قرن گذشته به طور فوق‌العاده‌ای پروسه تشکیل انحصارات داخلی در کشورهای مستعمراتی وابسته را شدت بخشید. بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۱۵ سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی بالا رفت. این سهم در هند از ۲۴,۳ به ۲۹,۶ درصد و در ترکیه از ۲۳,۸ به ۲۶,۵ درصد رشد کرد. با این وجود سهم چین از ۴۸,۱ به ۴۰,۹ درصد افت داشت. ولی نمی‌توان از این امر تنزل تولید صنعتی را استنباط کرد. برعکس دائماً بخش بزرگتری از کارگران صنعتی مجبور می‌شوند معیشت خود را در شرکت‌های خدماتی و موسسات تولیدی، به عنوان کارگران روزمزد، قراردادی، فصلی و غیره، به دست آورند. علاوه بر آن‌ها را در آمار به طور گمراه کننده‌ای جزو «کارکنان

۱۲- «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آمریکای لاتین» - پتر روسلر - [www.ixpos.de](http://www.ixpos.de), (29.3.2002)

۱۳- [www.unctad.org/wir](http://www.unctad.org/wir) web table 34



خدماتی» به حساب می‌آورند. البته اکثر گروه‌های شغلی «بخش خدمات» به مفهوم محدود و یا گسترده آن، به طبقه کارگر تعلق دارند. در چین سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی انفجاری افزایش داشته است: از ۲۲,۳ به ۵۰,۲ درصد، در هند از ۴۰,۳ به ۵۳,۰ درصد، در ترکیه از ۴۹,۷ به ۶۵,۰ و در روسیه از ۳۳,۰ به ۶۲,۷ درصد.

بر اثر این رشد، سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، به طور قابل ملاحظه‌ای عقب رفت. بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۱۵ این سهم در چین از ۲۹,۶ تا ۸,۸ درصد، در هند از ۳۵,۴ تا ۱۶,۵ درصد، در ترکیه از ۲۶,۵ تا ۸,۵ درصد یا در روسیه از ۶,۸ تا ۴,۶ درصد افت داشت.<sup>۱۴</sup>

بدین ترتیب انحصارات بین‌المللی مرحله نوینی از تمرکز سرمایه و بین‌المللی کردن بخش کشاورزی را عملی کردند. این تمرکز و بین‌المللی کردن، شیمی کشاورزی، صنعت ماشین‌های کشاورزی، حاکمیت تولید کشاورزی صنعتی، صنایع و تجارت مواد غذایی را در برمی‌گرفت. انحصارات جدیداً به وجود آمده داخلی مبارزه رقابت آمیزی را جهت تامین بازارهای بزرگ داخلی خود در پیش گرفتند.

JBS در برزیل در سال ۱۹۵۳ به صورت یک کشتارگاه کوچک تاسیس شد، در دهه ۹۰ قرن گذشته بر بنیان صنعت کشاورزی به مرکز تامین گوشت برزیل و تا سال ۲۰۱۰ به بزرگترین مؤسسه تولید کننده گوشت در جهان ارتقاء یافت.<sup>۱۵</sup> تغییرات ساختار اجتماعی اقتصادی به ویژه در سهم جهشی رشد یافته جمعیت کشور آشکار می‌شود: در ۱۴ کشور از مهمترین کشورهای امپریالیستی جدید جمعیت از ۳۰,۳ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۵۲,۰ درصد در سال ۲۰۱۴ رشد کرد.<sup>۱۶</sup>

انحصاری کردن اقتصاد جهان سرمایه‌داری مربوط می‌شود به تولید، تجارت، حمل و نقل، ارتباطات، تمام بخش‌های اقتصاد و علم و فرهنگ. این انحصاری کردن بر پایه بین‌المللی کردن امور مالی قرار دارد، که این خود نتیجه اساسی انباشت و

۱۴- بانک جهانی - شاخص‌های توسعه جهانی؛ روسیه از ابتدای ۱۹۸۹

۱۵- [www.sueddeutsch.de](http://www.sueddeutsch.de), 22.5.2011

۱۶- بانک جهانی - شاخص سرمایه‌گذاری جهانی - 1.6.2016

تمرکز عظیم سرمایه است.

سازمان جدید تولید بین‌المللی از سال‌های ۹۰ قرن گذشته آموزش نیروی کار برای تولید صنعتی مدرن را در سطح جهان استاندارد کرده و یک بازار کار بین‌المللی به وجود آورده است. همچنین این سازمان جدید هر چه بیشتر خود را به بخش‌های تولید و تجدید تولید زندگی انسانی مانند امور سلامتی و تربیتی، که به واسطه خصوصی سازی در دستان انحصارات بین‌المللی، شیوه تولید صنعتی به خود گرفته‌اند، گسترش می‌دهد.

همچنین در روند خصوصی سازی، انحصارات داخلی که به طور فزاینده‌ای اهداف خود را دنبال می‌کردند، به وجود آمدند و خود را تقویت نمودند. در برزیل کنسرن معدن Companhia vale do Rio Doce در سال ۱۹۹۷ خصوصی شد. امروزه کنسرن واله (vale) هدایت کننده بازار جهانی در تجارت سنگ آهن است.<sup>۱۷</sup> سهم دولتی کنسرن فولاد کره جنوبی پوسکو (Posco)، در اوایل دهه ۹۰ قرن گذشته گام به گام کمتر شد. ولی در ۲۰۱۵ پوسکو چهارمین کنسرن بزرگ فولاد در جهان بود.<sup>۱۸</sup>

**انبوه کشورهای مستعمراتی جدید ویران شدند.** این ویرانی به تخریب بنیان صنعتی مستقل آن‌ها و فرو ریزی تعداد کثیری از **دولت‌های ملی** انجامید. ولی بخش دیگر کشورهای مستعمراتی وابسته به کشورهای جدید امپریالیستی تکامل یافتند. چگونه چنین چیزی ممکن است؟ لنین آن را به عنوان قانون عام شیوه تولید سرمایه‌داری کشف کرد:

«تحت نظام سرمایه‌داری **رشد یکسان** در تکامل اقتصادی اقتصادهای منفرد و کشورهای جداگانه **غیر ممکن** است.»<sup>۱۹</sup> سپس این نتیجه را استخراج کرد: «اما مناسبات قدرت با روند تکامل اقتصادی **تغییر می‌یابد.**»<sup>۲۰</sup>

۱۷- [www.vale.com](http://www.vale.com)

۱۸- [www.worldsteel.org](http://www.worldsteel.org)

۱۹- «درباره جدایی ایالات متحده از اروپا» - لنین - جلد ۲۱، صفحه ۳۴۴ - (تاکید از نویسنده)

۲۰- همانجا - (تاکید از نویسنده)

## ۱ - انحصارات بومی از وابستگی یکجانبه به سوی نفوذ متقابل با سرمایه مالی بین‌المللی

کشورهای مستعمراتی جدید وابسته دم افزون و هر چه کامل‌تر با تولید و تجدید تولید جهانی انحصارات بین‌المللی گره می‌خورد. این امر ادغام متقابل انحصارات ملی و بین‌المللی را تشدید می‌کند.

این مسئله خود را به ویژه در ادغام (Fusion) و تصاحب انحصارات برون مرزی نشان می‌دهد. بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷ انحصارات به وجود آمده در کشورهای جدید امپریالیستی، ۶۶ انحصار برون مرزی را تصاحب کردند. حداقل با هر یک میلیارد دلار آمریکا یک انحصار بین‌المللی را خریدند: انحصارات چین ۱۲ انحصار را به تصاحب خود درآوردند، انحصارات امارات متحده عربی ۱۱، انحصارات مکزیک و برزیل هر کدام ۶، انحصارات آفریقای جنوبی ۶، انحصارات عربستان سعودی و روسیه هر کدام ۴، انحصارات اندونزی و کره جنوبی هر کدام ۳، انحصارات ترکیه و آرژانتین هر کدام ۲ و انحصارات ایران و قطر هر کدام ۱ انحصار را تصاحب کردند.<sup>۲۱</sup>

**مافوق انحصارات بین‌المللی** از زمان شکل‌گیری سازمان جدید تولید بین‌المللی عمدتاً در خارج از کشورشان تولید کرده‌اند. بدین جهت آن‌ها وابسته به قانون‌گذاری‌ها و شیوه‌های کاربردی طرفدار انحصارات هستند: روند مثبت اختراعات، مالیات بندی، ساختار ارتباطی مدرن، نیروی کار خوب آموزش دیده، شرایط مساعد جهت «استثمار بی دردسر» توده‌ها و منابع طبیعی در مقیاس بین‌المللی. این مسائل را قبل از همه بانک جهانی، IWF, WTO، (سازمان جهانی تجارت) و ILO (سازمان کار بین‌المللی) در مقابل تکتک کشورها به کرسی می‌نشانند.

در این پروسه در سیستم جهانی امپریالیسم، شیوه تولید و مبادله مشخص به طور نسبی با هم برابر می‌شوند. این حامل رقابت بین‌المللی است، و این رقابت نیز البته یک شرط اساسی اجتماعی برای وحدت جنبش انقلابی کارگری و مردمی است.

## ۲- راه برون رفت از وابستگی جدید مستعمراتی امپریالیسم به سوی استقلال به صورت کشورهای جدید امپریالیستی.

تا زمانی که انحصارات ملی مستعمرات جدید جهت خارج شدن از زیر نفوذ انحصارات بین‌المللی کشورهای امپریالیستی، به لحاظ اقتصادی و سیاسی به اندازه کافی قوی نبودند، از یک استقلال سیاسی واقعی هم نمی‌توانست صحبتی در میان باشد. با رشد قوی‌ترین این کشورها، با قطع هر چه بیشتر بند نافشان از انحصارات بین‌المللی در خارج از کشور و آغاز صدور سرمایه خود، استفاده از یک فضای استقلال فرمال سیاسی را شروع کردند، و دولت ملی کشورشان را هر چه بیشتر تابع منافع خود نمودند.

اعتراض توده‌ای سال ۱۹۸۷ در کره جنوبی دیکتاتور نظامی گوش به فرمان آمریکا را سرنگون کرد و وابستگی مستعمراتی جدید توسط آمریکا را نیز تضعیف کرد. از دهه‌ها سال پیش در کره جنوبی یک سلسله خانواده سرمایه‌دار به نام **Chaebols**، رشد کرده است - جوش خوردن چندین شرکت در هم تنیده شده به صورت یک کنسرن مختلط. آن‌ها فقط بوروکرات‌های دولت و ارتش را استخدام نمودند، کنترل‌شان را بر بانک‌ها از طریق دولت سازمان دادند و تسلط بر دستگاه دولت و درآمیختگی با آن را شروع کردند.<sup>۲۲</sup>

در آفریقای جنوبی در اوایل سال‌های ۹۰ قرن گذشته رژیم آپارتاید فاشیستی راسیستی سرنگون شد. سپس شرکت‌های انحصاری دولتی رشد صنعت «شرکت توسعه صنعتی» هر چه بیشتر به ابزاری برای توسعه در دیگر کشورها تبدیل گردید.<sup>۲۳</sup>

بالاخره پیش شرط تعیین کننده برای این که این کشورها به کشورهای جدید

۲۲- Markus Pohlmann, «شرکت‌های کره جنوبی»، در kern/Kölner, «کره جنوبی و کره شمالی»، صفحه ۱۲۴

۲۳- IDC Annual Report ۲۰۱۶

امپریالیستی تکامل یابند، وجود ساختار انحصار دولتی - سرمایه‌داری بود. این کشورها به بهترین وجهی می‌توانستند از ساختارهای دیکتاتوری نظامی و یا از کشورهای بورکراتیک - سرمایه‌داری تکامل یابند.

در پیدایش ساختار انحصار دولتی، سازمان‌های بین‌المللی امپریالیستی IWF و بانک جهانی نقش ویژه‌ای ایفا کردند. با در نظر گرفتن بحران دهشتناک بدهی، «برنامه تطابق ساختاری» انعطاف ناپذیری به آن‌ها دیکته می‌شد، تا بار بحران را به کارگران و توده‌های وسیع منتقل کنند. آن‌ها با اعتبارات، کمک‌های مالی و «کمک‌هایی» به دولت وقت جهت ساختن ادارات خود و دستگاه نظامی و پلیسی جهت عقب راندن طبقه کارگر و انقلابیون، مربوط بودند.

در گذار از مستعمرات جدید به کشورهای جدید امپریالیستی، این ساختارهای انحصاری دولتی دارای یک ویژگی‌اند: آن‌ها نه تنها دولت را تحت خواسته‌های انحصارات بومی بلکه هم چنین تحت خواسته‌های سرمایه مالی بین‌المللی تنظیم می‌کنند. ناشی از این مجموعه شرایط خاص، بی ثباتی گذرای دولت‌های مربوطه و حکومت‌های آن‌ها رشد می‌کند.

### ۳- بحران مستعمراتی جدید، حاکمیت یکه تاز امپریالیست‌های قدیم را به خاک می‌سپارد

لیبرالسم نوین فقط می‌توانست بحران بودجه و استقراض کشورهای مستعمراتی جدید را موقتاً بپوشاند. این بحران‌ها دوباره فورانی ظاهر شده و کمی پیش از گذار به هزاره کنونی در بحران تازه‌ای مستعمراتی جدید - عمیق‌تر و همه جانبه‌تر از آغاز دهه نود قرن گذشته، جریان یافتند. این بحران‌ها بر پایه سازمان جدید تولید بین‌المللی رشد کردند و پیشقراول بحران اقتصاد جهانی ۲۰۰۱ - ۲۰۰۳ گردیدند. در سال ۲۰۰۰ در سرمایه مالی بین‌المللی کشورهای حاضری داشتند با بدهی‌های کلان در سطح میلیارد دلار آمریکا: برزیل ۲۳۸,۰؛ مکزیک ۱۵۰,۳؛ آرژانتین

۱۴۶,۲؛ اندونزی ۱۴۱,۸؛ کره جنوبی ۱۳۴,۴؛ ترکیه ۱۱۶,۲ و هندوستان ۹۹,۱ میلیارد دلار.<sup>۲۴</sup>

**فوق انباشت مزمن شونده سرمایه، یافتن امکانات سرمایه‌گذاری جهت کسب بالاترین سود را برای انحصارات بین‌المللی مشکل می‌ساخت. لذا آن‌ها با آغاز دهه نود قرن گذشته فعالیت سرمایه‌گذاری خود را از زمینه فوق به سازمان جدید تولید بین‌المللی تغییر دادند.**

امپریالیست‌ها زمانی طولانی دقت می‌کردند، که در کشورهای مستعمراتی وابسته قبل از هر چیز تولیدات نیمه تمام، مواد خام و غیره تولید و صادر شود. اما اکنون خود را مجبور می‌بینند، که کل پروسه تولیدی خود را نیز در کشورهای مستعمراتی وابسته به انجام رسانند - حداقل در مراکز تولید بین‌المللی - **با همان سطح کیفی در کشورهای امپریالیستی.** در جریان تولید با بالاترین کیفیت، بازارهای جدید جهشی توسعه می‌یافت: سیستمی در نزدیکی مکانی با شرکت‌های صنعتی تولید و توزیع کننده قطعات مورد لزوم (Zulieferunternehmen)، در زیر ساخت جدید، در نیروی کار آموزش دیده، در تأمین محل زندگی و مواد غذایی، درخواست می‌شد. از این مسئله قدرت سرمایه انحصارات داخلی نیز، که هر چه بیش‌تر در خرید کارخانجات دولتی سابق، تشکیل سرمایه‌گذاری‌های مشترک و همجوشی و تصرف مؤسسات، شرکت می‌کردند، سود می‌بردند.

نتایج بحران استقراری را قبل از همه طبقه کارگر و توده وسیع مردم متحمل می‌شوند. بالا رفتن سریع قیمت مواد غذایی در بعضی کشورها به **بدتر شدن اسف انگیز مناسبات زندگی طبقه کارگر** می‌انجامید و **مقاومت فعال** این طبقه را طلب می‌کرد. کشورهای امپریالیستی در ابتدای هزاره کنونی با رشد مبارزات توده‌ای، در حلقه اول در آمریکای لاتین و بعضی کشورهای آسیایی رو به رو شدند. این کشورها **مستقیماً و روز افزون علیه سرمایه بین‌المللی** سمت گیری کردند.

این مبارزات به ویژه از زمان قیام توده‌ای آرژانتین در دسامبر ۲۰۰۱ تا سطح یک اعتلای انقلابی تکامل یافت، که تمام آمریکای لاتین را دربر گرفت. سیاست لیبرالی

۲۴- بانک جهانی، شاخص توسعه جهانی ۲۰۰۲، در «غروب خدایان بر فراز» نظم نوین جهانی»»، صفحه ۲۷۷

و مستعمراتی جدید ثابت کرد که شیوه تا کنونی آن دیگر قابل اجرا نیست. و توده‌ها در چنین کشورهایی دیگر حاضر نبودند غارت و ستم را در شیوه تا کنونی، بپذیرند. به این جهت حاکمین برای مدتی با حکومت‌های چپ در ونزوئلا (Venezuela)، آرژانتین (Argentina) و اکوادور، برزیل و بولوی (Bolivia) توافق کردند، تا شعله انقلاب را با پارلمانتاریسم بورژوائی خاموش کنند. آن‌ها برای انتخاب امید دهندگان جدید در شکل رژیم‌های «چپ» حیطه فعالیت به وجود آوردند.

هم چنین طرح اپورتونیستی هوگوشاوز (Hugo Chavez) «سوسیالیسم قرن بیست و یکم» به طور عینی به این موضوع در ونزوئلا کمک نمود، که برای مدتی در بین توده‌های آمریکای لاتین نفوذ عظیمی به دست آورد.

لولا داسیلوا (Lula da Silva) رهبر پیشین اعتصابات علیه کنسرن VW، در سال ۲۰۰۳ به مقام رئیس جمهوری برزیل رسید. در اطفافش این امید وجود داشت، که او برای یک نظم جهانی عادلانه وارد عمل شود، نظمی که در ساختارش جنوب نیز می‌بایست سهیم باشد. رژیم او اتحادیه اقتصادی آمریکای لاتین<sup>۲۵</sup> MERCUSUR را به صورت یک بلوک قدرت اقتصادی گسترش داد. انحصارات برزیل در این بلوک قدرت مسلط شدند. MERCUSUR توانست بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۱ سهم‌اش را در تولید ناخالص داخلی جهان بیش از دوبرابر افزایش دهد، از ۱,۸ به ۴,۴ درصد. بیش از ۸۰ درصد این سهم از برزیل خارج شد. حکومت لولا داسیلوا (Lula da Silva) در سال ۲۰۱۰ بزرگترین صدور سرمایه را که تا آن زمان در جریان بود هوشیارانه چنان هدایت کرد که کنسرن پتروبراس (Petrobras) آن را با هدف کسب ۷۹ میلیارد دلار آمریکا به انجام رسانید.<sup>۲۶</sup> پتروبراس در استخراج نفت و گاز از حفاری‌های در عمق دریا، به مقام رهبری بازار جهانی رسید.<sup>۲۷</sup>

در آفریقای جنوبی طبقه کارگر و توده مردم ده‌ها سال قهرمانانه علیه نژادپرستی جنگیدند. این شکل حاکمیت فاشیستی برای انحصارات بین‌المللی نیز هر چه بیش‌تر به مانعی تبدیل شده بود. امپریالیست‌ها در طول سال‌های متمادی مذاکره و توافقات با

۲۵- بازار مشترک آمریکای جنوبی: برزیل، آرژانتین، پاراگوئه، اوروگوئه، بولوی، ونزوئلا

۲۶- [www.faz.net](http://www.faz.net), 24.9.2010

۲۷- [www.handelsblatt.com](http://www.handelsblatt.com), 14.4.2012

حزب کمونیست رویونیستی آفریقای جنوبی (SACP) و رهبری کنگره ملی آفریقا (ANC)، نلسون ماندلا، گذار به دموکراسی بورژوائی را تدارک دیدند. این اقدام می‌بایست انقلابی شدن روز افزون توده‌ها را مانع گردد و درهای کشور را برای معاملاتشان بگشاید.

آفریقای جنوبی نوامپریالیستی مرکزسازمان جدید تولید بین‌المللی و سرمایه‌گذاری‌های فراملی شد. در سال ۲۰۱۰ تعداد ۲۳۱ شرکت چند ملیتی مادر و ۶۷۵ شرکت دختر در آفریقای جنوبی مقرر داشتند.<sup>۲۸</sup> به یاری یک شبکه پیچیده در ارتباط فشرده رژیم ANC با سرمایه مالی یک‌ه تاز بین‌المللی و همکاری چند شرکت با سرمایه خارجی، ادغام، تصرف و غیره، ساختار حاکمیت انحصارات دولتی و شرکت نفت بین‌المللی فعال آفریقای جنوبی - استخراج معدن - و انحصارات بانکی شکل گرفت.

ANC راه آزادی‌های جدیدی را برای مافوق انحصارات بین‌المللی جهت استثمار طبقه کارگر سیاه پوست آفریقای جنوبی هموار کرد. پذیرش رهبران سندیکاها در دولت با یک پیمان ویژه همکاری طبقاتی گره خورده است: بر مبنای این پیمان سندیکاها می‌بایست از اعتصاب خودداری و آن را در نطفه خفه کنند و در تحت فشار قرار دادن آن‌ها همکاری نمایند. اما بدتر شدن شرایط کار و زندگی طبقه کارگر و کل جمعیت سیاه پوست در شهرک‌هایی که با هدف نژادپرستانه جدا سازی سیاه پوستان از سفید پوستان درست شده بود از ۲۰۱۳ باعث یک سری اعتصابات و تظاهرات مهم مستقل گردید. آن‌ها به تنظیمات دولتی «صلح اجتماعی» خاتمه دادند. گذار به امپریالیسم جدید تحت این رژیم‌های چپ‌گرا و رفرمیست، اتفاقی نبود. اتحاد قدرت سرمایه انحصاری بومی با قدرت انحصاری دولت ملی برای این گذار پیش شرط تعیین کننده درونی بود.



## IV- بحران اقتصادی و مالی جهانی ۲۰۰۸ - ۲۰۱۴ به

### مثابه موتور پیدایش و تکامل سریع کشورهای جدید

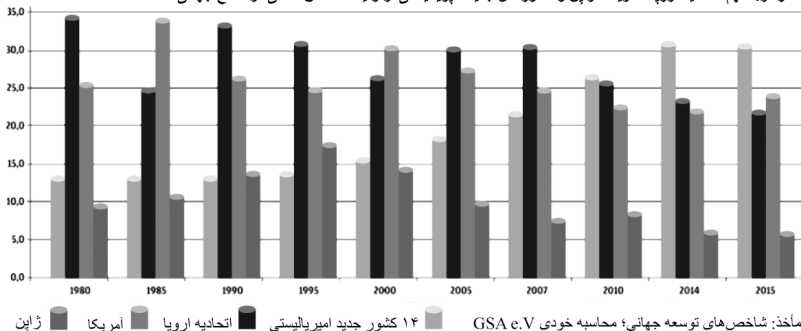
#### امپریالیستی

درست در سال‌های ۸۰ قرن گذشته بخشاً تدارک تبدیل کشورهای قبلاً مستعمراتی جدید وابسته یا کشورهای استحاله شده رویزونیستی قبلاً سوسیالیستی به کشورهای جدید امپریالیستی آغاز گردید. جهش کیفی در اغلب آن‌ها در گذار هزاره قبل به هزاره کنونی پدیدار شد. سهم این کشورها از تولید ناخالص داخلی جهانی بین سال‌های ۱۹۸۰ (۱۳,۳ درصد)، ۱۹۹۰ (۱۳,۴ درصد) و در سال ۲۰۰۰ (۱۵,۸ درصد) فقط اندکی رشد کرده است. البته سهم این کشورهای جدید امپریالیستی در سال ۲۰۰۷ بر ۲۱,۸ درصد بالغ بود.

این پروسه انباشت جهشی سرمایه در کشورهای جدید امپریالیستی قطعاً سقوط ویرانگری را تدارک می‌دید: عمیق‌ترین و طولانی‌ترین بحران اقتصادی و مالی جهانی در تاریخ سرمایه داری تا کنون (۲۰۰۸ - ۲۰۱۴). سرمایه سرریز شونده امپریالیستی فقط می‌توانست به وسیله نابودی سرمایه، بحران فوق تولید را جبران کند.

کشورهای جدید امپریالیستی در بحران اقتصادی و مالی جهانی تا سال ۲۰۱۴ سهم‌شان را در تولید ناخالص داخلی سراسر جهان تا ۳۱,۱ درصد بالا بردند. این

نمودار: سهم اتحادیه اروپا، آمریکا، ژاپن و کشورهای جدید امپریالیستی از تولید ناخالص داخلی در سطح جهانی



کشورها در سال ۲۰۱۰ آمریکا و اتحادیه اروپا را پشت سر گذاشتند. آمریکا در سال ۲۰۱۴ با ۲۲,۱ درصد سهم جهانی، در مقایسه با ۲۰۰۷، ۳ درصد و در مقایسه با سال ۲۰۰۰، ۸,۶ درصد را از دست داده است. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴ با ۲۳,۶ درصد سهم جهانی در مقایسه با سال ۲۰۰۷، ۷,۲ درصد را از دست داده است.

**بحران ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹** پانصد انحصار حاکم بین‌المللی را نیز دربر گرفت. سود خالص آن‌ها از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۰۸ حدوداً ۴۸,۴ درصد سقوط کرد؛ از ۱,۶ بیلیون دلار آمریکا به ۰,۸ بیلیون<sup>۲۹</sup>. فشار قدرتمندی جهت سرمایه‌گذاری سرمایه‌های اضافه برای به دست آوردن حداکثر سود در خارج از انحصارات قدیمی امپریالیستی به وجود آمد. این جا به جایی قدرت تا آن جا مؤثر بود، که  $G20^{۳۰}$  با شرکت مهم‌ترین کشورهای جدید امپریالیستی در آن، مدیریت بحران همه جانبه بین‌المللی را عهده دار شد.

**ساختن تأسیسات تولیدی و امکانات سرمایه‌گذاری در کشورهای جدید امپریالیستی** همانند سوپاپ اطمینان (Ventil) جهت فرونشاندن بحران اضافه تولید تأثیر می‌گذارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ دو برابر شد، از ۲,۶ به ۵,۴ بیلیون دلار آمریکا<sup>۳۱</sup>. این‌ها به نجات ۵۰۰ مافوق انحصار پیش‌تاز بین‌المللی از بحران اضافه تولید جهانی یاری کردند. سود آن‌ها در همان سال ۲۰۱۰ مجدداً تا ۵۹ درصد رشد کرد. سرازیر شدن سیل سرمایه به کشورهای جدید امپریالیستی، ناخواسته شکل‌گیری این کشورها را به مثابه کشورهای رقیب امپریالیستی تسریع کرد.

سهم کشورهای جدید امپریالیستی از **ایجاد ارزش صنعتی در سطح جهان** دو برابر شد: از ۱۹,۷ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۰,۲ درصد در سال ۲۰۱۴ رسید. در

۲۹- GSA table based on Fortune Global 500

فهرست انحصارات بین‌المللی با توجه به Fortune Global 500

۳۰- G20: اتحادیه اروپا، آمریکا، ژاپن، چین، آلمان، فرانسه، بریتانیای کبیر، ایتالیا، برزیل، کانادا، هندوستان، روسیه، استرالیا، مکزیک، کره جنوبی، ترکیه، اندونزی، عربستان سعودی، آرژانتین و آفریقای جنوبی

۳۱- صدور سرمایه و ورود سرمایه با توجه به UNCTAD

همین مقطع زمانی سهم اتحادیه اروپا با افت ۵,۵ درصد به سطح ۱۸,۶ درصد رسید. سهم آمریکا با افت ۹,۱ درصد به سطح ۱۶,۰ درصد و سهم ژاپن با افت ۱۰,۳ درصد به سطح ۵,۶ درصد رسید.<sup>۳۲</sup>

در کوران بحران اقتصادی و مالی جهان، اقتصاد بعضی کشورهای جدید امپریالیستی رشد پویایی داشت. اقتصاد چین، هند، کره جنوبی، ترکیه، اندونزی، عربستان سعودی، آرژانتین بخشاً تا ۱۲۰ درصد نسبت به سطح پیش از بحران رشد کرد. کشورهای قدیم امپریالیستی در اولین سه ماهه سال ۲۰۱۷ خیلی پائین‌تر از سطح پیش از بحران آن زمان درجا زدند: ژاپن با ۸۵,۷ درصد، بریتانیای کبیر با ۹۰,۵ درصد، فرانسه با ۸۸,۳ درصد، ایتالیا با ۷۸,۸ درصد، اسپانیا با ۷۶,۵ درصد. تولید صنعتی در آلمان و آمریکا در سال ۲۰۱۴ مجدداً به سطح پیش از بحران رسید.<sup>۳۳</sup>

از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ سهم کشورهای جدید امپریالیستی در صدور سرمایه در سطح جهان سه برابر رشد کرد: از ۱۰,۲ درصد به ۳۰,۹ درصد.<sup>۳۴</sup> در این زمان کشورهای جدید امپریالیستی سهم‌شان را از موجودی جهانی سرمایه گذاری مستقیم در خارج از کشور توسعه دادند: از ۱۰,۸ به ۱۵,۲ درصد؛ ولی سهم اتحادیه اروپا از ۴۲,۲ به ۳۶,۶ درصد، سهم آمریکا از ۲۸,۵ به ۲۵,۳ درصد سقوط کرد. چین، آفریقای جنوبی و عربستان سعودی ذخایرشان را بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۴ دو برابر کردند. ترکیه، کره جنوبی و هندوستان ذخایرشان را سه برابر؛ قطر ۶ برابر و اندونزی ۸ برابر توسعه دادند.<sup>۳۵</sup>

به گسترش این بنیان قدرت اقتصادی، در جایی که ابر انحصارات کشورهای جدید امپریالیستی قدرتمند و فعال بودند ادغام و تصرفات برون مرزی نیز خدمت می‌کرد. آن‌ها بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ به عنوان خریدار، سهم جهانی‌شان را از ادغام برون مرزی دو برابر کردند، از ۱۵,۱ درصد به ۲۹,۱ درصد و بدین وسیله به

۳۲- شاخص جهانی توسعه ارزش صنعت

۳۳- OECD = سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، محاسبه خودی GSA e. V.

۳۴- خروجی سرمایه گذاری خارجی UNCTAD, FDI Outflows, محاسبه خودی GSA e. V.

۳۵- UNCTAD, FDI Outward Stock, محاسبه خودی GSA e. V.

طور اساسی نفوذ بین‌المللی امپریالیستی‌شان را گسترش دادند. و این افزایش به ویژه بالای حد متوسط سالانه ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ را در مقابل حد متوسط سالانه ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ نشان می‌دهد: چین با ۶۹۰ درصد، کره جنوبی با ۳۲۶ درصد، قطر با ۳۱۰ درصد، ترکیه با ۲۵۵ درصد و اندونزی با ۱۵۸ درصد<sup>۳۶</sup>.

تغییر مناسبات قدرت بین کشورهای امپریالیستی خود را در رشد صدور سرمایه بیان می‌کند. اما آن‌ها آشکارا با عروج انحصارات کشورهای جدید امپریالیستی و داخل شدنشان در رده ۵۰۰ مافوق انحصار بین‌المللی، یعنی حاکمین تکه تاز سرمایه مالی بین‌المللی، متمرکز می‌شوند. تعداد مافوق انحصار کشورهای بریکس (BRICS) و میست (MIST) از ۳۲ در سال ۲۰۰۰ به ۱۴۱ مافوق انحصار در سال ۲۰۱۵، افزایش یافت، یعنی چهار برابر گردید. این به زیان آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن تمام شد.

دولت‌های بریکس در سال ۲۰۱۴ «بانک جدید توسعه» (NDB) را صریحاً در رقابت با IWF تأسیس کردند. یکی از هدف‌های تأسیس بانک جدید این بود که دلار آمریکا را به عنوان ارز تعیین کننده بین‌المللی زیر سؤال ببرند<sup>۳۷</sup>.

در مبارزه بر سر تسلط بازار جهانی، جا به جایی عظیم قدرت صورت گرفت. چین آمریکا را به عنوان هدایت کننده بازار جهانی در صنعت نفت، در صنعت ساختمان یا در زمینه بانک کنار زد. مافوق انحصارات کره جنوبی در کشتی سازی، در صنعت برق و الکترونیک رهبر بازار جهانی شدند - آمریکا و آلمان را کنار زدند<sup>۳۸</sup>.

کشورهای جدید امپریالیستی سیطره امپریالیستی منطقه‌ای خود را علیه مناطق تحت نفوذ منطقه‌ای قدرت‌های امپریالیستی قدیم به وجود آوردند: برزیل در سال ۲۰۱۴ با داشتن مقام یازدهم در بودجه نظامی در جهان و بیش از ۲۰۰ میلیون جمعیت، پنجمین کشور بزرگ و هفتمین اقتصاد بزرگ جهان بود برزیل از بلوک اقتصادی Mercosur برای ارتقاء به قدرت جدید امپریالیستی در آمریکای جنوبی سود می‌برد. آفریقای جنوبی سیطره خود را بر کل قاره آفریقا می‌گستراند. انحصار استخراج معدن آفریقای جنوبی کشورهای دیگر و طبقه کارگر در جنوب آفریقا را استثمار می‌کند. آفریقای جنوبی در تمام این کشورها ارتش مستقر کرده و با اتحادیه آفریقا قراردادی منعقد

۳۶- UNCTAD cross-border M&A database

۳۷- [www.ndb.int/about-us/essence/history](http://www.ndb.int/about-us/essence/history), download 4.7.2017

۳۸- جدول GSA طبق فورتن جهانی Fortune Global 500

نموده است که در صورت به وجود آمدن قیام می‌تواند هر چه سریع‌تر دستجات نظامی‌اش را جهت حمله به محل قیام گسیل نماید. هند قدرت امپریالیستی‌اش را در شبه جزیره هند بسط می‌دهد و بدین وسیله رقابت‌اش را با چین تشدید می‌کند. اسرائیل، ترکیه، ایران، عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های عرب علیه یکدیگر و امپریالیست‌های قدیم بر سر سیطره منطقه‌ای در شرق نزدیک و میانه و هم چنین شمال آفریقا می‌جنگند.

جهت مبارزه بر سر تقسیم مجدد جهان، کشورهای جدید امپریالیستی به **توسعه دستگاه قدرت نظامی دولتی خود** شدت می‌بخشند. ارتش آن‌ها در سال ۲۰۱۵ تقریباً هشت میلیون سرباز را شامل می‌شد. ناتو ۳،۳ میلیون سرباز داشت.<sup>۳۹</sup>

کشورهای جدید امپریالیستی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ **بودجه نظامی‌شان** را چندین برابر کردند: از ۱۲۵ تا ۵۶۱ میلیارد دلار آمریکا. هم چنین کشورهای ناتو در همین مقطع زمانی تجهیزات پیشرفته نظامی‌شان را افزایش دادند، اگر چه نه به آن شدت: از ۴۷۹ به ۹۲۱ میلیارد دلار آمریکا.<sup>۴۰</sup>

**آمریکا (USA)** هم چنان تنها ابر قدرت امپریالیستی است. این نقش ویژه دقیقاً خود را در زمینه نظامی نشان می‌دهد. تنها در سال ۲۰۱۶ هزینه نظامی آن بر ۶۱۱ میلیارد دلار آمریکا بالغ می‌شد، که یک سوم هزینه نظامی تمام کشورهای جهان است. آمریکا در سال ۲۰۱۵ با دارا بودن ۷ هزار کلاهک اتمی، بیش از ۴۵ درصد موجودی اتمی جهان را در اختیار داشت.<sup>۴۱</sup> آمریکا پس از کسب قدرت دولتی توسط رونالد ترامپ، تهاجمی‌تر تسلیحاتش را گسترش می‌دهد. آمریکا می‌خواهد تا سال ۲۰۲۷ هزینه نظامی را تا ۷۲۲ میلیارد دلار در سال ببرد.

کشورهای جدید امپریالیستی تا سطح **بزرگترین وارد کنندگان تسلیحات سنگین** در سطح جهان رشد کرده‌اند. هند از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ با دارا بودن سهم ۱۴ درصدی از بازار جهانی، در رأس قرار داشت - پیش از عربستان سعودی با ۷ درصد، چین با ۴،۷ درصد و امارات متحده عربی با ۴،۶ درصد. کشورهای جدید امپریالیستی در ۲۰۱۴ برای توسعه مستقلانه دستگاه قدرت نظامی خود بیش از ۲۶

<sup>۳۹</sup> - www.bundesheer.at, NATO Press Release 10.3.2011 - 22.6.2015

مطبوعات ناتو، محاسبه خودی GSA e. V.

<sup>۴۰</sup> - SIPRI، هزینه نظامی توسط کشور ۲۰۱۵ - ۱۹۸۸، محاسبه خودی GSA e. V.

<sup>۴۱</sup> - SIPRI, Yearbook 2016

انحصار از ۱۰۰ انحصار سازنده تجهیزات جنگی جهان را در اختیار داشتند<sup>۴۲</sup>. کشورهای جدید امپریالیستی دستجات بزرگی از پلیس و اتحادیه‌های شبه نظامی در اختیار دارند که دامنه آن‌ها بسیار گسترده‌تر از دستجات همانند در دیگر کشورهای امپریالیستی است. پلیس مسلح خلق چین ۱,۵ میلیون و شبه نظامیان هند «برای حراست در مقابل قیام‌ها» ۱,۳ میلیون نفرند. آن‌ها قبل از هر چیز در خدمت سرکوب توده‌ها، اعتصابات، اعتراضات توده‌ای علیه دولت تا قیام و جنبش‌های انقلابی در درون کشور هستند.

کشورهای جدید امپریالیستی از رسانه‌های عمومی دولتی به عنوان مراکز قدرت ایدئولوژیک - سیاسی جهت تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی استفاده می‌کنند. قطر با فرستنده تلویزیونی الجزیره تقریباً یک میلیارد از عربی زبانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روسیه، چین و ترکیه به وسیله رسانه‌های عمومی - بخشاً رسانه‌های انحصاری چند زبانی - از جمعیت مهاجرین به صورت سکوی سیاست جدید امپریالیستی‌شان در کشورهای دیگر استفاده می‌کنند.

کشورهای جدید امپریالیستی در نشست محیط زیست سازمان ملل متحد حق ویژه‌ای را برای تخریب بنیان‌های زندگی طبیعی بشریت طلب می‌کنند. آن‌ها دستاویز این تخریب را «مکمل رشد اقتصادی» و «تأمین انرژی مستقل» می‌نامند و بدین وسیله شیوه استخراج تعرضی معادن زیر زمینی و رو زمینی، نابودی جنگل‌های انبوه (rainforests)، متواری کردن میلیون‌ها دهقان خرده پا و یا گسترش انرژی اتمی را توجیه می‌نمایند. چین، هند، روسیه، کره جنوبی، ایران، عربستان سعودی، اندونزی، برزیل، مکزیک، آفریقای جنوبی و ترکیه سهم‌شان را در انتشار گاز CO2 در مقیاس جهانی بالا برده‌اند: از ۳۵,۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵۰,۹ درصد در سال ۲۰۱۵<sup>۴۳</sup>.

در مجتمع‌های تولیدی بین‌المللی در کشورهای جدید امپریالیستی پرولتاریای صنعتی مدرن بین‌المللی نیز در ارتباط با تقسیم کار بین‌المللی با سرعت رشد می‌کند. در این فاصله بخش بزرگی از پرولتاریای صنعتی بین‌المللی، تقریباً ۵۰۰ میلیون، در

۴۲- SIPRI (به علت نبود اطلاعات قابل اعتماد، چین در این لیست نیامده است.)

۴۳- [www.globalcarbonatlas.org](http://www.globalcarbonatlas.org), محاسبه خودی GSA e. V.

کشورهای جدید امپریالیستی مشغول هستند.

کارگران صنعتی بین‌المللی در کشورهای جدید امپریالیستی در رأس تظاهرات و تقابلات طبقاتی قرار دارند. در ۲ سپتامبر ۲۰۱۶ در دومین اعتصاب بزرگ علیه حکومت مدی (Modi) در هند، ۱۸۰ میلیون نفر شرکت داشتند. یک سال پیش از آن ۱۵۰ میلیون نفر اعتصاب کردند. در ۱۶ اوت ۲۰۱۲، ۳۴ کارگر سیاه پوست در اعتصاب معدن لونمین (Lonmin) در آفریقای جنوبی قتل عام شدند. سپس در سال‌های بعد اعتصابات توده‌ای مستقل کارگران معدن و فلزکار در آفریقای جنوبی رشد نمود.

بر این زمینه جنبش مبارزه جویانه زنان در سطح بین‌المللی رشد نوینی یافت. زنان به طور فزاینده‌ای به بخشی از پرولتاریای صنعتی بین‌المللی تبدیل می‌شوند. نقش آن‌ها به صورت حلقهء رابط بین جنبش کارگری، جوانان شورشی و مقاومت مردمی رشد می‌کند. اعتراضات توده‌ای زنان علیه قوانین و سیاست‌های ارتجاعی در آمریکا، هند، ترکیه یا لهستان شاهد این مدعاست.

بدین ترتیب نیروهای نوین برای هماهنگی و انقلابی کردن مبارزات جهت تدارک انقلاب بین‌المللی سوسیالیستی - با پرولتاریای صنعتی بین‌المللی به عنوان نیروی رهبری کننده - گسترش می‌یابند.

## V- چند کشور جدید امپریالیستی به ویژه مهاجم

جهش‌های کیفی در گروه ۱۴ کشور در جریان تشکیل و تکامل‌شان به صورت کشورهای جدید امپریالیستی، رشد تولید ناخالص داخلی آن‌ها را از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهد و نیز روشن می‌سازد، که چگونه سهم این گروه ۱۴ در اقتصاد جهانی رشد کرده است، به ویژه از زمان بلوغ کارا کتر جدید امپریالیستی این کشورها بعد از ورود به هزاره کنونی (نگاه کنید به جدول «تولید ناخالص داخلی با میلیاردها دلار آمریکا»، ۱۹۸۰=۱۰۰)

### ۱- چین قوی‌ترین کشور جدید امپریالیستی

بعد از مرگ مائوتس‌دون در سال ۱۹۷۶ رویونیست‌های مدرن به رهبری دنگ تسیائوپینگ (Deng Xiaoping) سرمایه‌داری را در جمهوری خلق چین بازسازی کردند. کشور به سرعت به نوع جدیدی از سرمایه‌داری بوروکراتیک انحصار دولتی تغییر کرد. این سرمایه‌داری از آن به بعد زیر پوشش «سوسیالیسم» در جهت توسعه سوسیال امپریالیستی تلاش می‌کند.

بورژوازی انحصاری جدید چین از بوروکراسی استحاله شده خرده بورژوازی در حزب، دولت و دستگاه اقتصادی به وجود آمده بود. این بورژوازی برای خیزش پرشتابش در سرمایه مالی حاکم یک‌ه تاز بین‌المللی، از دستگاه دولتی سنترالیستی سازمان یافته سابقاً سوسیالیستی، استفاده کرد. این بورژوازی این دستگاه را تحت سلطه خود درآورد و آن را به صورت ابزار بوروکراتیک فوق‌العاده سنترالیستی برای اعمال حاکمیت یک‌ه تاز خود بر مردم چین، به کلی تغییر داد.

همه‌ی امپریالیست‌ها بر گشایش بازار چین، با جمعیت کنونی ۱,۴ میلیاردی حریصانه چنگ انداختند. پیش از هر چیز به شیوه «همکاری چند شرکت با سرمایه خارجی» (Joint Ventures)<sup>۴۴</sup> بنای سرمایه انحصاری خصوصی و انحصارات بین‌المللی در چین با شتاب به پیش برده شد. رویونیست‌های چینی این مسئله را

۴۴- همکاری چند شرکت با سرمایه خارجی



ریاکارانه «مکمل‌های مفید اقتصاد سوسیالیستی» نامیدند<sup>۴۵</sup>. مفهوم واقعی آن در این نهفته است که: سرمایه‌داران انحصاری بوروکراتیک چین می‌خواستند سرمایه‌گذاران خارجی را جلب کنند، ولی در این جریان کنترل‌شان را نیز از دست ندهند.

اولین همکاری چند شرکت با هدف اجرای یک پروژه مشترک، بین یک شرکت خارجی، کنسرن ماشین‌سازی VW (آلمان) و شرکت SAIC (چین) در سال ۱۹۸۴ تحقق یافت. چین دو شرط را مطرح کرد: انحصارات خارجی فقط از طریق سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های دولتی چینی به بازار چین راه می‌یابند. و آن‌ها با گذشت زمان می‌بایست شرکت‌ها را به چینی‌ها تحویل دهند. حاکمین جدید چین این مسئله را ماهرانه درک کرده بودند که بدین وسیله می‌توان، تکنیک مدرن، اشکال سازمانی اصلاح شده تولید و کارآئی منطبق با آن را از شرکای خارجی اخذ نموده و بیش‌تر تکامل داد. در سال ۲۰۰۳ در ۱۶ شرکت مشترک اتومبیل‌سازان چینی و خارجی، سهم سرمایه چینی حداقل در سطح ۵۰ درصد قرار داشت<sup>۴۶</sup>.

۴۵- کنراد ساینس، «چین - قدرت جهانی که برمی‌گردد»، صفحه ۲۸۲

۴۶- «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنعت اتومبیل‌سازی چین»، ۲۰۰۶، صفحه ۱۲۳۹

تولید ناخالص داخلی به میلیارد دلار آمریکا \* 100 = 1980

کشور / منطقه	1980	1985	1990	1995	1996	1997	1998	1999
برزیل	235	223	462	786	850	883	864	599
1980 = 100		94,9	196,6	334,3	361,8	375,8	367,5	255,0
روسیه	---	---	517	396	392	405	271	196
1980 = 100			102,0	78,1	77,3	79,9	53,5	38,7
هند	190	237	327	367	400	423	429	467
1980 = 100		124,8	172,3	193,4	210,9	223,2	226,1	246,2
چین	191	309	361	735	864	1139	1198	1260
1980 = 100		161,9	188,8	384,3	451,9	595,8	626,7	659,0
آفریقا جنوبی	81	67	112	155	148	153	138	137
1980 = 100		83,3	139,1	191,0	183,3	189,4	171,0	169,6
مکزیک	194	184	263	344	397	481	502	579
1980 = 100		94,9	135,2	176,9	204,5	247,3	258,3	298,1
اندونزی	72	85	106	202	227	216	95	140
1980 = 100		117,7	146,4	278,9	313,7	297,7	131,7	193,2
کره جنوبی	68	104	285	559	603	560	376	486
1980 = 100		153,0	420,0	824,9	890,0	826,6	555,3	717,3
ترکیه	69	67	151	169	181	190	269	250
1980 = 100		97,7	219,0	246,4	263,8	276,0	391,5	363,1
آرژانتین	77	88	141	258	272	293	299	284
1980 = 100		114,9	183,7	335,3	353,6	380,5	388,4	368,4
عربستان سعودی	165	104	117	142	158	165	146	161
1980 = 100		63,1	71,0	86,6	95,9	100,3	88,6	97,8
قطر	8	6	7	8	9	11	10	12
1980 = 100		78,6	94,0	103,9	115,7	144,3	131,0	158,3
VAE	44	41	51	66	74	79	76	84
1980 = 100		93,1	116,3	150,8	168,7	180,8	173,6	193,7
ایران	94	180	125	96	120	114	110	114
1980 = 100		190,9	132,3	102,2	127,6	120,7	116,9	120,7
جمع 14	1487	1696	3024	4283	4696	5111	4783	4769
1980 = 100		114,1	203,3	288,0	3125,8	343,7	321,7	320,7
OECD	8753	10002	18684	25410	25634	25241	254392	26791
1980 = 100		114,3	213,5	290,3	292,9	288,4	291,2	306,1
جهان	11156	12670	22548	30851	31532	31415	31319	32491
1980 = 100		113,6	202,1	276,6	282,7	281,6	280,7	291,3

2007	2006	2005	2004	2003	2002	2001	2000	کشور / منطقه
1397	1108	892	669	558	508	559	655	برزیل
594,4	471,3	379,4	284,8	237,6	216,1	238,0	278,9	1980 = 100
1300	990	764	591	430	345	307	260	روسیه
256,6	195,4	150,8	116,7	85,0	68,1	60,5	51,3	1980 = 100
1201	949	834	722	618	524	494	477	هند
633,5	500,6	440,0	380,6	326,1	276,4	260,5	251,4	1980 = 100
3782	2960	2480	2135	1830	1644	1516	1389	چین
1978,6	1548,8	1297,2	1116,9	957,3	860,2	792,9	726,7	1980 = 100
299	272	258	229	175	115	122	136	آفریقا جنوبی
371,7	337,2	320,0	283,8	217,6	143,4	150,9	169,3	1980 = 100
1043	965	866	770	713	742	725	684	مکزیک
536,9	496,7	445,8	396,3	367,0	381,5	372,9	351,7	1980 = 100
432	365	286	257	235	196	160	165	اندونزی
596,3	503,0	394,4	354,3	323,9	269,9	221,4	227,7	1980 = 100
1123	1012	898	765	681	609	533	562	کره جنوبی
1655,8	1492,3	1324,6	1128,1	1003,7	898,2	786,2	828,3	1980 = 100
647	531	483	392	303	233	196	267	ترکیه
940,8	771,8	702,1	570,1	440,5	338,0	284,9	387,5	1980 = 100
288	233	199	165	128	98	269	284	آرژانتین
373,6	302,2	258,2	213,9	165,8	127,0	349,1	369,3	1980 = 100
416	377	328	259	215	189	183	188	عربستان سعودی
252,8	229,1	199,6	157,3	130,4	114,6	111,2	114,5	1980 = 100
80	61	45	32	24	19	18	18	قطر
1018,2	777,6	568,8	405,3	300,6	247,3	224,0	226,8	1980 = 100
258	222	181	148	124	110	101	104	VAE
591,6	509,4	414,3	339,1	285,2	251,9	237,0	239,3	1980 = 100
337	259	220	184	154	129	127	110	ایران
357,6	274,1	233,0	194,7	162,7	136,3	134,5	116,1	1980 = 100
12604	10302	8733	7316	6187	5460	5311	5298	جمع 14
847,6	692,8	587,3	492,0	416,1	367,1	357,1	356,3	1980 = 100
42946	39292	37274	35270	31688	28283	27107	27359	OECD
490,7	448,9	425,9	403,0	362,0	323,1	309,7	312,6	1980 = 100
57757	51312	47394	43782	38879	34621	33346	33551	جهان
517,7	460,0	424,8	392,5	348,5	310,3	298,9	300,8	1980 = 100

2015	2014	2013	2012	2011	2010	2009	2008	کشور / منطقه
1804	2456	2473	2465	2616	2209	1667	1696	برزیل
767,4	1045,0	1052,1	1048,9	1113,2	939,8	709,3	721,6	1980 = 100
1366	2064	2231	2170	2032	1525	1223	1661	روسیه
269,7	407,4	440,4	428,5	401,1	301,1	241,4	327,9	1980 = 100
2089	2034	1857	1828	1823	1657	1324	1187	هند
1101,8	1072,6	979,6	964,2	961,5	873,7	698,3	626,0	1980 = 100
11420	10829	9934	8866	7858	6357	5345	4838	چین
5974,4	5665,2	5197,2	4638,3	4110,8	3325,9	2796,5	2531,2	1980 = 100
315	351	368	396	416	375	296	287	آفریقا جنوبی
390,5	436,1	456,4	492,1	517,0	466,0	367,4	356,0	1980 = 100
1144	1298	1262	1187	1171	1051	895	1101	مکزیک
588,5	667,9	649,3	610,5	602,6	540,8	460,5	566,6	1980 = 100
862	890	913	918	893	755	540	510	اندونزی
1189,2	1228,6	1259,0	1266,3	1232,0	1041,8	744,4	703,9	1980 = 100
1378	1411	1306	1223	1202	1094	902	1002	کره جنوبی
2032,2	2081,5	1925,6	1803,5	1773,5	1614,2	1330,2	1478,1	1980 = 100
718	799	823	789	775	731	615	730	ترکیه
1041,6	1161,2	1196,8	1146,8	1126,3	1062,9	893,4	1061,7	1980 = 100
585	526	552	546	530	424	333	352	آرژانتین
759,7	683,9	717,3	709,4	688,9	550,4	432,7	469,8	1980 = 100
646	754	744	734	670	527	429	520	عربستان سعودی
392,6	458,1	452,4	446,1	406,9	320,2	260,8	315,9	1980 = 100
165	206	199	187	168	125	98	115	قطر
2102,9	2634,1	2538,3	2386,4	2143,0	1598,2	1249,2	1472,3	1980 = 100
370	402	389	373	349	286	254	315	VAE
849,3	921,9	891,3	856,5	799,4	656,1	581,5	723,6	1980 = 100
	425	512	587	592	468	399	397	ایران
	450,7	542,2	622,3	627,4	495,7	422,8	420,9	1980 = 100
22860	24446	23561	22270	21095	17584	14318	14722	جمع 14
1537,3	1643,9	1584,4	1497,6	1418,6	1182,5	962,9	990,0	1980 = 100
46307	49162	48245	47719	47846	44546	42526	45454	OECD
529,1	561,7	551,2	545,2	546,6	508,9	485,9	519,3	1980 = 100
74292	78658	76770	74694	73170	65853	60046	63346	جهان
666,0	705,1	688,2	669,6	655,9	590,3	538,3	567,8	1980 = 100

این امر با صنعتی شدن پرچش کشور همراه شد. امروزه در چین بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون کارگر روز مزد وجود دارد.<sup>۴۷</sup>

بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۵ تولید ناخالص داخلی چین بیش از هفت برابر شد؛ از ۱،۵ به ۱۱،۴ میلیارد دلار آمریکا. در همین زمان سهم چین در تولید ناخالص داخلی در جهان از ۴،۵ به ۱۵،۴ درصد بالا رفت. در این مقطع تعداد کنسرن‌های چین که جزو ۵۰۰ مافوق انحصار یکه تاز در جهان می‌باشند، جهش وار بالا رفت: از ۱۲ به ۱۰۳ کنسرن.<sup>۴۸</sup>

در جریان بحران اقتصادی و مالی جهان در ۲۰۰۸ - ۲۰۱۴ سوسیال امپریالیست‌های چینی به بزرگترین سرمایه‌گذاران در پروژه‌های ساختاری در آفریقا تبدیل شدند.<sup>۴۹</sup> آن‌ها سود سرمایه (profit returns) کمتری را نسبت به امپریالیست‌های غربی طلب کردند و اعتبار با ربح مساعدتری برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها<sup>۵۰</sup> مثل بنادر، راه‌آهن، لوله نفت و گاز، جاده و ارتباطات مخابراتی، عرصه نمودند. آن‌ها این امور را دغلکارانه به عنوان «کمک به بازسازی» جار می‌زدند و بدین وسیله راه ساختاری در استثمار پر سود مواد خام آفریقا را در اختیار گرفتند. متخصصین چینی عمدتاً این پروژه‌ها را انجام می‌داند. در همین زمان بیکاری توده‌ای و فقر کارگران آفریقائی رو به تزايد رفت و هزاران دهقان خرده پا نابود شدند.

چین با برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵» در مبارزه جهت تقسیم مجدد بازار جهانی، در استراتژی توسعه خود تغییری به وجود آورد. اکنون پیش زمینه در استراتژی توسعه، تبدیل شدن به قدرت اقتصادی نامحدود پیش‌تاز و پشت سر گذاشتن آمریکا به

۴۷- کارگر مزدی در کشاورزی، صنعت و در به اصطلاح «خدمات» وجود دارد. منبع: «جهان کار چین»، بنیاد خانه آسیا ۲۰۱۵

۴۸- Fortune Global 500

۴۹- La Chine, principal investisseur dans le secteur des infrastructures en «Afrique» [www.fr.africatime](http://www.fr.africatime). 24.8.2013 published only in French by Xinhua -- eigene Teilübersetzung  
سرمایه گذاری اصلی در ساختارهای بنیانی در آفریقا - بخشاً ترجمه خودی

۵۰- «Südwind, «Partnerschaft auf Augenhöhe? Die Rolle Chinas in Afrika»  
نقش چین در آمریکا - مشارکت در یک سطح

عنوان رقیب اصلی است. آن‌ها برای این هدف سرمایه‌گذاری در کارخانجات انحصاری خارجی را با دانش بالای تکنولوژی توسعه می‌دهند. سرمایه‌گذاری‌های چینی در اتحادیه اروپا از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ تا ۷۷ درصد یعنی بیش از ۳۵ میلیارد یورو بالا رفت.<sup>۵۱</sup> در سال ۲۰۱۷ شرکت انحصاری چینی HNA تقریباً با ده درصد تنها سهامدار بزرگ بانک آلمان Deutsche Bank، تنها بانک انحصاری پیشتاز آلمان، شد. در سال ۲۰۱۶ شرکت انحصاری چینی دستگاه‌های الکتریکی Media، تولید کننده پیشتاز رباترهای صنعتی آلمان Kuka را بلعید.<sup>۵۲</sup>

چین جهت امنیت نظامی‌اش برای قدرت طلبی جهانی، بزرگترین ارتش جهان را به وجود آورده است: حدود ۲,۳ میلیون سرباز مسلح، ۶۰۰ هزار سرباز بیش‌تر از ارتش آمریکا.<sup>۵۳</sup> این ارتش بیش از ۱۶۰ راکت قاره پیمای در اختیار دارد. با هر ۱۰ تا ۱۲ کلاهک اتمی با برد ۱۴ هزار کیلومتر می‌تواند هر نقطه‌ای از زمین را هدف قرار دهد. نیروی هوایی چین ۲۰ بمب افکن میان برد استراتژیک از نوع H-6<sup>۵۴</sup> جهت به کارگیری بمب اتم دارد و نیز دارای یک ناو هواپیمابر می‌باشد.

اتحاد نظامی «سازمان شانگهای برای همکاری» تحت هدایت قدرت‌های اتمی چین و روسیه، قبل از هر چیز علیه نفوذ ناتو سمت‌گیری شده است. هند و پاکستان نیز در سال ۲۰۱۷ عضو این پیمان شدند.<sup>۵۵</sup> چین با موضع تهاجمی جنگی به خاطر سرکردگی در دریای جنوب چین (Südchinesische Meer) در سال ۲۰۱۴ ژاپن و در ۲۰۱۶ آمریکا را برای یک درگیری نظامی تحریک می‌کرد.<sup>۵۶</sup> امروزه حکومت ترامپ در آمریکا چین را در مبارزه بر سر حاکمیت جهانی رقیب اصلی خود می‌بیند.

۵۱- [www.sueddeutsche.de](http://www.sueddeutsche.de), 7.3.2016

۵۲- [www.managermagazin.de](http://www.managermagazin.de), 30.12.2016

۵۳- [www.de.statista.com](http://www.de.statista.com)

۵۴- اسلحه اتمی A-Z

۵۵- Deutsche Welle، صدای آلمان، 14.6.2017

۵۶- [www.n-tv.de](http://www.n-tv.de), 31.5.2014 و 15.12.2016

## ۲- برآمد مجدد روسیه جدید امپریالیستی

از کنگره بیستم در اتحاد شوروی در سال ۱۹۵۶ بوروکراسی مرکزی در رهبری حزب، دولت و اقتصاد تحت رهبری خروشیف به عنوان سرمایه‌دار کل انحصارات دولتی و جمعی، نقش طبقه حاکم را به عهده گرفت. بورژوازی انحصاری جدید، دیکتاتوری بورژوائی‌اش را بر تمام جامعه اعمال کرد. اتحاد شوروی خصوصیت سوسیالیستی خود را از دست داد. اگر اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی در سال ۱۹۶۰ دومین قدرت اقتصادی در جهان بود، ولی تا سال ۱۹۹۰ تا کمتر از یک سوم قدرت اقتصادی اروپای غربی و به سختی تا کمی بیش از نصف قدرت اقتصادی ژاپن سقوط کرد<sup>۵۷</sup>.

با از هم پاشیدگی RGW<sup>۵۸</sup> و انحلال اتحاد شوروی در ۱۹۹۱ «تلاش گرباچف،... جهت گذار کنترل شده به سوی سرمایه‌داری انحصار دولتی از نوع غربی آن، شکست خورد»<sup>۵۹</sup>. روسیه در سال‌های بعد از نظر اقتصادی در رقابت با کشورهای امپریالیستی غرب کاملاً عقب افتاد. تولید صنعتی در روسیه از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ حدود ۴۶ درصد سقوط کرد. روسیه تا زمان‌هایی کفاره خصوصیت امپریالیستی‌اش را می‌پرداخت<sup>۶۰</sup>.

از هم پاشیدگی سوسیال امپریالیسم شوروی باعث به وجود آمدن یک بازار واحد جهانی شد. این امر پیش شرط تعیین کننده سیاسی سازمان جدید تولید بین‌المللی در سیستم جهانی امپریالیستی را به وجود آورد.

در دهه ۱۹۹۰ بخش اعظم کارخانجات دولتی روسیه به ویژه در بخش مواد خام و بانک‌های دولتی، خصوصی گردید. این‌ها پیش از هر چیز به طور شگفت‌انگیزی در دست مسئولین ارشد اقتصاد بوروکراتیک سرمایه‌داری گذشته، حزب و دستگاه

۵۷- «غروب خدایان درباره «نظم نوین جهانی»»، صفحه ۲۰۹

۵۸- «شورای کمک‌های اقتصادی دو جانبه»

۵۹- «غروب خدایان درباره «نظم نوین جهانی»»، صفحه ۲۲۱

۶۰- با «غروب خدایان درباره نظم «نویین جهانی»»، صفحه ۲۱۷ - ۲۳۰ مقایسه کنید.

دولتی، به اصطلاح اولیگارش‌ها<sup>۶۱</sup>، قرار گرفت. تلاش بی‌شرمانه آن‌ها در به دست آوردن سود و قدرت، نیروی محرکه صعود روسیه به صورت یک قدرت جدید امپریالیستی بود.

ذخایر عظیم مواد خام، نفت، گاز طبیعی و فلزات پیش شرط‌های متضادی بودند برای تکامل روسیه جدید امپریالیستی: از یک جانب به علل استراتژیک دسترسی سرمایه خارجی را به این ذخائر تا حد ممکن محدود می‌کرد. از جانب دیگر روسیه از وابستگی بسیاری از رقبای امپریالیستی به مواد خام‌اش استفاده می‌کرد و بدین ترتیب نفوذش را در بازار جهانی شدت می‌بخشید.

با انتصاب افسر سابق سازمان مخفی KGB، ولادیمیر پوتین، به عنوان رئیس جمهور روسیه، سیاست مداری انحصارطلب، ناسیونالیست و قدرت طلب در ۱۹۹۹ به میدان آمد. تحت رهبری او بورژوازی انحصاری روسیه بر بنیان سرمایه خصوصی‌ای به وجود آمد، که روسیه جدید امپریالیستی را شکل داد. بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ سهم روسیه در ایجاد ارزش صنعتی در سطح جهانی از ۳,۳ به ۱,۰ درصد سقوط کرد. اما این سهم تا سال ۲۰۱۱ به طور جهشی تا ۲,۹ درصد بالا رفت. روسیه سهم‌اش را در صدور جهانی سرمایه بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷ بیست برابر یعنی ۲,۰ درصد رشد داد.<sup>۶۲</sup>

حکومت پوتین بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌ها را در شرکت‌های ممتاز ملی متمرکز کرد. بدین ترتیب تا یک مقطع زمانی RUSAL بزرگترین تولیدکننده آلومینیم در سطح جهان شد و ALROSA، شرکت انحصاری حاکم بر جهان الماس نیز به وجود آمد و بانک دولتی Sberbank به صورت مافوق انحصار بین‌المللی تأسیس گردید. از صد کنسرن تهیه‌کننده تجهیزات نظامی، که در سطح جهان بزرگترین‌ها بودند، ۱۹ شرکت انحصاری متعلق به روسیه بود که تا سال ۲۰۱۴ تا این سطح رشد کرده بودند. گاز پروم تا سال ۲۰۱۳ بین بزرگترین انحصارات انرژی در سطح جهان تا مقام دوم رشد کرد.<sup>۶۳</sup> روسیه در سطح جهانی بزرگترین صادرکننده

۶۱- [www.netstudien.de/Russland](http://www.netstudien.de/Russland)

۶۲- UNCTAD FDI outward stock, محاسبه خودی، GSA e. V.

۶۳- Fortune Global 500



گاز طبیعی شد و اکنون به عنوان دومین تولید کننده بزرگ نفت، با عربستان سعودی و آمریکا بر سر رهبری بازار جهانی رقابت می‌کند. روسیه بزرگترین صادر کننده نیروگاه‌های اتمی برق (Nuclear Power Plant) با تأمین اعتبار مالی است.

حکومت پوتین در داخل روسیه علیه طبقه کارگر و توده‌های وسیع مردم سیاستی ارتجاعی، شوونیستی و ضد کمونیستی اعمال می‌کند و مقاومت خشمگینانه و پی در پی آن‌ها با دخالت بی رحمانه پلیس و ارتش تعقیب می‌شود.

هدفی که پوتین پی می‌گیرد، ایجاد اتحادیه اروپائی - آسیائی از لیزابون تا ولادی‌وستوک با سرکردگی روسیه است. ارتش روسیه علیه کوشش‌های جدائی طلبانه ملت‌ها در قفقاز شمالی و نیز در چچین و گرجستان بی رحمانه مقابله می‌کند. نیروی جنگی ارتش روسیه دومین قدرت جهان است. در سال ۲۰۰۸ برنامه مدرن کردن ۷۰۰ میلیارد یوروی، به ویژه برای توسعه سلاح‌های اتمی استارت زده شد. ارتش روسیه می‌بایست از ۷۱۰ هزار تا ۹۱۵ هزار سرباز<sup>۶۴</sup> افزایش یابد و به عنوان ارتش دخال‌تگر در سطح جهان به کار گرفته شود.

ناتو و اتحادیه اروپا، بعد از برداشته شدن دیوار برلین، جهت گسترش خود در شرق، با استفاده از نقطه ضعف روسیه، در منطقه‌ای که پیشتر تحت نفوذ سوسیال امپریالیست اتحاد شوروی قرار داشت، همه جانبه پیشروی کردند. روسیه مجدداً قوی شده در سال ۲۰۱۴، در انعکاس به این امر و در مبارزه به خاطر حاکمیت برتر بر اوکراین، برخلاف حقوق بین‌المللی کریم (Krim) را به خود ملحق کرد.

روسیه در جنگ سوریه از ۲۰۱۱ رژیم شبه فاشیستی اسد را - با پشتیبانی نظامی، بمباران کردن و استفاده از نیروهای زمینی، زنده نگه داشته است. روسیه از طریق تقویت محور ایران / سوریه سعی می‌کند نفوذ امپریالیستی خود را در شرق نزدیک و میانه تحقق ببخشد.

دولت روسیه روابط تنگاتنگی را با قدرتمدار فاشیست ترکیه، رجب طیب اردوغان، تیمار می‌کند. روسیه حداقل از ۱۵ حزب شبه فاشیستی، فاشیستی و ناسیونالیستی افراطی در اتحادیه اروپا پشتیبانی کرده و با آن‌ها به طور منظم در روسیه دیدار

۶۴- «توان نظامی روسیه در یک چشم انداز ده ساله - ۲۰۱۳». انستیتیوی تحقیقاتی سوئد برای مسائل دفاعی (FOI)

می‌کند. منجمله: نئوفاشیستی NPD (حزب ناسیونالیستی آلمان) و AFD (آلترناتیو برای آلمان)، Lega Nord (لیگای شمال) در ایتالیا، Front National (جبهه ملی) در فرانسه و Jobbik در مجارستان. بانک First Czech-Russian که با کرملین تحت سلطه پوتین ارتباط بسیار نزدیکی دارد، در سال ۲۰۱۴ به Front National فاشیستی برای مبارزه انتخاباتی‌اش ۹ میلیون یورو پرداخت کرد.

این که پوتین احزاب رویزیونیستی که خود را «کمونیستی» نیز مینامند، مورد حمایت قرار می‌دهد، متناقض به نظر می‌رسد. لذا او به عنوان میهماندار مراسمی که دولت روسیه با انگیزه صدمین سال انقلاب اکتبر در مسکو برگزار کرده بود به همه احزاب رویزیونیستی کشورهای جهان خوش آمد می‌گوید. همه این‌ها تحت یک خط هدایت کننده ضد انقلابی شکل می‌گیرند: **مبارزه طبقاتی هرگز، انقلاب هرگز.** در بین میهمانان، حزب کمونیست چین، حزب کار کره (Koreas) یا حزب کمونیست آلمان DKP نیز حضور داشتند<sup>۶۵</sup>.

پوتین سعی می‌کند با چنین روابطی اتحادیه اروپا و کشورهای عضو را بی‌ثبات کند.

۶۵- گفتگوی دوجانبه با رفقای پلاتفرم مارکسیست - لنینیستی (MLP) روسیه و حزب کار کمونیستی روسیه (RKAP) در ژانویه ۲۰۱۷

### ۳- سلطه نو امپریالیستی هند بر شبه قاره هند

با آغاز استقلال هند از بریتانیای کبیر در ۱۹۴۷، به عنوان کشوری با مواد خام و جمعیت بسیار، اساس نسبتاً همه جانبه صنعتی شدن و تولید کالاهای سرمایه‌ای را رشد داد. به این امر دولتی کردن صنایع کلیدی و کارخانجات بزرگ سرمایه‌داری نیز یاری کرد. بعد از ۱۹۵۶ تکامل مستقل هند توسط استعمار نوین اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی به طور گسترده‌ای محدود شد. هند در این زمان نیز جریان بارز بوروکراتیک - سرمایه‌داری را به مثابه نقطه حرکت مادی جهت پیدایش بعدی سرمایه‌داری انحصاری دولتی، تکامل داد.

با «انقلاب سبز» صنعتی کردن کشاورزی شروع شد. قانون الغاء بیگاری در سال ۱۹۷۶ کارگران کشاورزی مورد نیاز را آزاد کرد. این تصمیم، تعیین کننده رشد فوق‌العاده بازار داخلی هند برای کالاهای تولیدی و مصرفی بود. در این زمان کنسرن‌های مواد خام در زمینه نفت، گاز، نفت سفید (Petroleum)، ذغال سنگ، فولاد و آلومینیوم که اکثراً به صورت شرکت‌های دولتی ولی به لحاظ مالی و تکنولوژی هم چنان به خارج از کشور امپریالیستی وابسته بودند، تأسیس شد. فروریزی اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی در سال ۱۹۹۱ پیش شرط تعیین کننده‌ای بود که سرمایه مالی بین‌المللی توانست سیاست نئولیبرالی خود را در مورد هند نیز به پیش ببرد. «سیاست جدید اقتصادی» وزیر اقتصاد من‌موهان سینگ (Manmohan Singh)، با ورود کشورش به سازمان جهانی تجارت WTO در سال ۱۹۹۵ در هند را به روی بازار جهانی گشود. او خصوصی سازی بخش‌های عمومی را سازمان داد. سینگ در محدوده وسیعی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تأسیس تعداد زیادی از زمینه‌های ویژه اقتصادی، حمایت کرد. در سال ۲۰۰۵ «قانون ویژه اقتصادی مناطق» به تصویب رسید. از آن به بعد تا سال ۲۰۱۷ تعداد حوزه‌های ویژه اقتصادی جدید تا ۴۲۱ عدد با ۴۴۵۶ شرکت و ۱,۷ میلیون نفر کارکن رشد نمود<sup>۶۶</sup>.

۶۶- Fact Sheet on Special Economic Zones auf [www.sezindia.nic.in](http://www.sezindia.nic.in) اوراق حاوی مدارکی جهت مناطق ویژه اقتصادی در سایت [www.sezindia.nic.in](http://www.sezindia.nic.in)

از این برنامه دولتی خصوصی سازی و حوزه‌های ویژه اقتصادی، بورژوازی انحصاری هند نیز، که صنایع، بانک، تجارت و سرمایه‌کشاورزی پر وسعتی را در اختیار داشت، سود می‌برد. سهم جهانی هند از تولید ناخالص داخلی بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۷ از ۱,۲ تا ۲,۱ درصد رشد داشت - رشدی حدود ۷۵ درصد.

بلافاصله بعد از انتخاب سونیا گاندی به عنوان نخست وزیر در سال ۲۰۰۴، بورس هند بزرگترین ریزش‌اش را در ۱۳۵ سال اخیر شاهد بود. زمینه ساز این ریزش نیز دغدغه سرمایه مالی بین‌المللی بود، که دولت می‌توانست به خصوصی سازی خاتمه دهد. در این شرایط **بورژوازی انحصاری هند** گاندی را مجبور نمود، که از پست نخست وزیری «بگذرد». زمانی که من‌موهان سینگ نخست وزیر شد، بورس هند با سرعت بالا آمد. در مبارزه رقابتی بورژوازی انحصاری هند علیه انحصارات بین‌المللی بر سر کنترل اقتصاد و دولت هند، انحصارات پیشیناز هندی گام به گام نفوذ تعیین کننده را کسب کردند.

این امر تکامل سریع نقش رشد یابنده هند را در صحنه بین‌المللی باعث شد. آمریکا در سال ۲۰۰۶ هند را به عنوان ششمین قدرت اتمی به رسمیت شناخت. صعود سریع مخابرات (Telekommunikation) و اینترنت، انحصاراتی را در هند به وجود آورد که تعداد بسیار زیادی **متخصص پردازش اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی** با تحصیلات عالی، که مزیت ویژه‌ای در زمینه رقابت بود، در اختیار داشت.

در تقابل خشن با مناطق صنعتی مدرن، در بخش‌های وسیع هند فقر شدید حاکم است، عقب مانده است و تولید نیمه فئودالی روستائی بر آن مهر نهاده است. این واقعیت بعضی از اقتصاد دانان چپ را تا آن جا به بیراهه کشانده است، که کاراکتر جدید امپریالیستی هند را انکار می‌کنند. لنین در ۱۹۱۷ در یک موقعیت قابل مقایسه در مورد کاراکتر امپریالیستی روسیه گفت:

«به این جهت در روسیه نیز اشتباه خواهد بود، که امپریالیسم به صورت یک واحد یکدست نشان داده شود (امپریالیسم به هیچ وجه یک واحد یکدست نیست)، زیرا در روسیه هنوز بسیاری از زمینه‌ها و بخش‌های کار وجود دارند، که تازه از اقتصاد

طبیعی و نیمه طبیعی به سرمایه‌داری گذر می‌کنند.» (مواد جهت تجدید نظر در برنامه حزب - نگارش در آوریل / مه ۱۹۱۷ - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۴ - صفحه ۴۶۶)

کنسرن‌های هندی در این میان وابستگی مستعمراتی نوین کشورهای دیگر را تشدید می‌کنند. نفت هند (Indian Oil) بزرگترین تولید کننده نفت در سری‌لانکا است.<sup>۶۷</sup> Bharti Airtel در سال ۲۰۱۵ یکجا شبکه موبایل ۱۵ کشور آفریقائی را در اختیار گرفت. محل اصلی تولید شرکت انحصاری شیمی هند Reliance Industrie ، به عنوان بزرگترین تولید کننده الیاف و پلی‌استر در جهان، در ترکیه، مالزی، چین، بریتانیای کبیر و هلند واقع است. صادرات هند به ۱۲۱ کشور صادر می‌شود.<sup>۶۸</sup> انحصارات هندی ماهیندرا (Mahindra) در تراکتور سازی، ویپرو (Wipro) در پردازش اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی IT و کرومپتون گراوس (Crompton Greaves) در زمینه ترانسفورماتور، پیشتر بازار جهانی هستند.

کنسرن هندی فولاد ArcelorMittal از زمان تأسیس‌اش در سال ۲۰۰۷ در مدتی کوتاه به طور تهاجمی به بزرگترین تولید کننده فولاد در جهان ارتقاء یافت. این کنسرن به واسطه تصرف کنسرن آرسلور لوکزامبورگ (Arcelor Luxemurg) ، که در آن موقع دومین کنسرن بزرگ فولاد جهان بود، توسط میتال استیل، به وجود آمد. این کنسرن با تولید سالانه ۴۱ میلیون تن و ۱۹۹ هزار کارکن، در سال ۲۰۱۶ در سطح جهانی دومین تولید کننده فولاد اروپا بود و از انحصار هندی Tata Steel با تولید سالانه ۲۴ میلیون تن و ۷۰ هزار کارکن برتر است. در شرکت Arcelor Mittal بیش از ۳۰ هزار نفر در قزاقستان، اوکراین، بوسنی، کانادا، آمریکا، مکزیک، و لیبریا تحت ظالمانه‌ترین شیوه‌های استثمار انسان و محیط زیست، کار می‌کردند.<sup>۶۹</sup>

وقتی که من‌موهان سینگ با خصوصی کردن‌های اجباری و گسترش زمینه‌های ویژه اقتصادی‌اش با مقاومت وسیع توده‌ای مواجه شد، در ۲۰۱۴ با نارندرا مودی

<sup>۶۷</sup> www.iocl.com

<sup>۶۸</sup> www.ril.com

<sup>۶۹</sup> Annualreview 2015. Arcelormittal.com/operations-and-performance/segment-review/mining

(Narendra Modi) که با فاشیست‌ها در اتحاد بود، به کابینه راه یافت. برنامه او «Make in India» (ساخت هند) توسط اقدامات ساختاری و سرمایه‌گذاری‌ها با پشتیبانی ویژه از توسعه انحصارات هندی، برجسته می‌شود. آن‌ها در عین حال در خدمت حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های هند در خارج از کشور و مالیات بندی انحصارات بین‌المللی بودند. ۵۸ کنسرن هندی در سال ۲۰۱۶ خود را در بین ۲ هزار کنسرن بزرگ جهان جا دادند، بیش از آلمان با ۵۱ کنسرن.<sup>۷۰</sup>

کنسرن هندی استخراج معدن Adani جهت احداث معدن ذغال سنگ Catmichael در استرالیا - ۱۱,۵ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری کرد. این معدن با استخراج سالیانه ۶۰ میلیون تن یکی از معادن بزرگ جهان است. به این سرمایه‌گذاری ساختن یک خط راه‌آهن و رهن ۹۹ ساله بندر زغال سنگ Abbot Point نیز تعلق دارد. دولت استرالیا در سال ۲۰۱۷ با این پروژه بزرگ احماقانه موافقت کرد: این پروژه در سطح بسیار وسیعی باعث کاهش آب‌های زیر زمینی می‌شود و اوکوسیستم بی نظیر Great Barrier Reef<sup>۷۱</sup> لمیده بر ساحل را تخریب می‌کند. حکومت مودی به طور تهاجمی مشغول ساختن ۳۷۰ نیروگاه ذغال سنگ دیگر است و می‌خواهد ۱۰ نیروگاه اتمی دیگر را نیز بسازد.

مودی برنامه حکومت‌اش را صریحا با ایدئولوژی هیندوتوا (Hindutva) مدلل می‌سازد. این ایدئولوژی ایجاد امپراتوری هندو را در «واحد جغرافیایی - فرهنگی» مجموعه شبه قاره هند هدف گرفته است. این مسئله به مثابه اساس جهان بینی به جاه طلبی‌های امپریالیستی خدمت می‌کند. مثل بلوک بندی مغایر با حقوق بین‌المللی در سال ۲۰۱۵، حمایت از جنبش تجزیه طلبانه در منطقه ترای (Terai)، دخالت مستقیم در قانون گذاری نپال، که می‌بایست به یک دولت (Staat) هندویی تحت حاکمیت هند تبدیل شود. ناسیونالیسم هندو به مثابه یک ایدئولوژی مهاجم ضد کمونیستی، دشمن قسم خورده جنبش مارکسیست - لنینیستی و ضد امپریالیستی است.

خرج دولتی تسلیحات هند در سال ۲۰۱۶ با ۵۵,۹ میلیارد دلار، آمریکا، فرانسه و

انگلستان را پشت سر گذاشت. در سال ۲۰۱۳ اولین ناو هواپیمابر ساخته شده در هند به آب انداخته شد. در سال ۲۰۱۶ اولین باربر فضائی (space freighter) با قابلیت چندین بار استفاده، استارت زده شد.

مودی با ژاپن و آمریکا یک اتحاد «استراتژیک» علیه چین منعقد نمود. از آن جایی که ادعای حاکمیت جهانی آمریکا به وسیله چین تهدید می‌شود، آمریکا در شرق آسیا متکی به هند است. پیش شرط اتحاد بین این امپریالیست‌ها خواست‌های مستقل هند است در به کرسی نشاندن خود علیه رقیب چینی. این یک اتحاد زمانمند و متناقضی است برای منافع دو طرف. وابستگی یک جانبه سابق هند به آمریکا، هر چه بیش‌تر به نفوذ متقابل تبدیل می‌شود، گر چه ابر قدرت امپریالیستی آمریکا مثل همیشه رجز می‌خواند.

سیاست داخلی امپریالیست نوین و توسعه طلب هند قبل از هر چیز تحت فشار قرار دادن مبارزه طبقاتی ارتش میلیونی پرولتاریای صنعتی بین‌المللی و صدها میلیون جمعیت روستا می‌باشد.

#### ۴- ترکیه جدید امپریالیستی در منطقه اتصال بین اروپا و آسیا

ترکیه به واسطه قرار گرفتن بین اروپا، آسیا و آفریقا اهمیت ویژه ژئوپلیتیکی، اقتصادی و استراتژیکی نظامی دارد. ترکیه بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی در نتیجه جنگ جهانی اول، به نیمه مستعمره کشورهای مختلف امپریالیستی تبدیل شد. جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ بعد از جنگ آزادیبخش انقلابی ملی تحت رهبری مصطفی کمال آتاتورک تأسیس شد. او سیاستی را تعقیب می‌کرد که به نفع بورژوازی ملی بود: برای استقلال ملی، صنعتی کردن سرمایه‌داری، مدرنیزه و دنیوی کردن (Secularization)<sup>۷۲</sup> کشور و محدودیت نفوذ امپریالیستی.

در ترکیه ۱۹۲۷، ۱۳،۷ میلیون نفر زندگی می‌کردند. امروز جمعیت این کشور ۷۹

۷۲- دولت دنیوی، جدائی کلیسا از دولت یا جدائی دین از دولت

میلیون نفر است. اکثریت بزرگ جمعیت مسلمان است.

ترکیه در سال ۱۹۵۲ در ناتو (NATO) عضو شد و به وابستگی نواستعماری، به ویژه از جانب امپریالیسم آمریکا، در غلتید. در سال‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ ارتش به خواست امپریالیسم و بورژوازی بزرگ بومی، با پشتیبانی و حمایت ناتو و آمریکا کودتا کرد. کودتای نظامی سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ در ارتباط بود با سرکوب خونین جنبش کارگری قدرتمند شده و چپ‌های انقلابی.

در همان سال‌های ۶۰ قرن گذشته انحصارات ترکی پراهمیتی مثل Koc Holding یا Oyak رشد کردند. این آخری از یک صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح شکل گرفت و امروز تقریباً ۹۰ شرکت را در بر می‌گیرد و در بخش‌های مختلفی سهم است.

انحصارات در سال‌های ۸۰ قرن گذشته تبدیل شتاب آلود ترکیه را به یک کشور **صنعتی سرمایه‌داری** تشدید کرد - این امر با کمک دولت و با به کارگیری سرمایه خارجی حادث شد. در سال ۱۹۷۱ اتحادیه صاحبان شرکت‌های - TÜSL -، که در جهت خواسته‌های انحصارات ملی و بین‌المللی، تأسیس شده بود، در تصمیمات دولتی اعمال نفوذ می‌کرد.

نقش عمومی اجتماعی و پر اهمیت ارتش ترکیه، که به ویژه بعد از کودتای نظامی ۱۹۸۰ افزایش یافت، تشکیل **ساختار سرمایه‌داری انحصاری دولتی** را سرعت بخشید. کودتای نظامی ۱۹۸۰ تغییر مسیر به سوی استعمار جدید را آغاز کرد. خصوصی سازی کارخانجات دولتی دیکته شده از طرف IWF ادغام صنعت، بانک و سرمایه تجاری را با بخشی از اولیگارش‌های ارتجاعی کشاورزی مورد حمایت قرار داد. بورژوازی انحصاری بومی که چنین پا به عرصه وجود گذاشته بود، هنوز نیز در حد بسیار زیادی تحت فرمان‌های دیکته شده سرمایه مالی خارجی قرار داشت. انحصارات بین‌المللی مثل تویوتا، دیملر، فوردر، رنو، بوش، فیات یا RWE در ترکیه مکان‌های تولیدی خود را دارند.

بیش از ۵۰ درصد جمعیت ترکیه در سال‌های ۷۰ قرن گذشته، در کشاورزی کار می‌کرد، ولی این در سال ۲۰۱۴ فقط ۲۰ درصد بود. ۷۴ درصد جمعیت در سال



۲۰۱۶ در شهرها زندگی می‌کرد، ولی این در اواسط سال‌های ۷۰ قرن گذشته فقط ۴۰ درصد بود. در ترکیه یک پرولتاریای صنعتی مدرن بین‌المللی به وجود آمد. حدود ۳ میلیون نفر در کارخانجات تولید پارچه و صنعت لباس، بیش از ۵۰ هزار نفر در کنسرن‌های بین‌المللی و ترکی برق کار می‌کنند. حدود ۴۰۰ هزار نفر در ۱۷ کارخانه تولید کننده ماشین و حدود ۴ هزار نفر در شرکت‌های تولیدی و توزیعی مشغول هستند<sup>۷۳</sup>

بحران سخت اقتصاد جهانی سال ۲۰۰۱ برای انحصارات ترکیه جبر اقتصادی جهت توسعه را تشدید کرد. و این خود به یک بحران حکومتی آشکاری انجامید، که ایدئولوژی کمالیسم و سکولاریسم (Säcularism) را نیز دربرگرفت. این بحران برای به اصطلاح اسلام معتدل AKP به رهبری رجب طیب اردوغان و در اتحاد با جنبش اسلام‌پستی گولن (Guelen) فضای مساعدی را گشود. اردوغان توانست احساسات مذهبی و ملی‌گرایی خرده بورژوازی را در بخشی از توده‌ها دامن بزند، مهار کند و در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ برنده شود. این از طرف آمریکا و اتحادیه اروپا با شدت حمایت شد.

رفرم‌های اجتماعی و سیاسی حکومت اردوغان، که بر بنیان یک شکوفایی اقتصادی صورت گرفت، برای تلاش ترکیه جهت تبدیل شدن به قدرت بزرگ، بنیان‌های توده‌ای ضروری به وجود آورد.

در سال ۲۰۰۴ قانون جدید حمایت مالی جهت سرمایه‌گذاری (Investment Promotion Law) تصویب شد، که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را در یک سطح قرار می‌داد. این مسئله موج جدید خصوصی سازی شرکت‌های دولتی را به دنبال داشت: شبکه برق، بنادر، برنامه‌های ساختاری، ساختمان، زمین‌های کشاورزی و غیره. این امر بالا رفتن جهشی ورود سرمایه و توسعه تأمین مالی اعتباری بازار داخلی را سبب گردید و خصوصی سازی انباشت سرمایه را در ترکیه تسریع نمود، که به نفع انحصارات ترکیه نیز بود. از سال ۲۰۰۲ تولید ناخالص داخلی ترکیه سه برابر شده است.

انباشت و تمرکز سرمایه در ترکیه تا سال ۲۰۱۴، ۴۴۸۵۸ شرکت بزرگ با بیش از ۲۵۰ کارکن را به وجود آورد: ۱۶۲۸ عدد از این شرکت‌ها در رشته صنایع تولیدی مشغول بودند. در سال ۲۰۱۶ ده انحصار ترکی جزو ۲ هزار کنسرن از بزرگترین کنسرن‌های جهان بود.<sup>۷۵</sup>

انحصارات ترکیه از جنگ عراق ۲۰۰۳ - ۲۰۱۱ پیوسته نفوذ خود را در خاور نزدیک گسترش می‌دادند. شرکت انحصاری نفت Türkiye Petrolleri A.O. (TPAO) با ۱,۹ میلیارد دلار آمریکا در میدان گاز شاه دنیز (Shah Deniz) و خط لوله نفتی جنوب قفقاز در آذربایجان سهم شد.<sup>۷۶</sup>

بزرگترین شرکت هواپیمایی ترکیه، Turkish Airlines، تعداد فرگاه‌های مقصد را در آفریقا جهش وار از ۲ به ۴۸ گسترش داد؛ تعداد مسافران از سال ۲۰۱۱ تقریباً دو برابر شد: تا ۶۱,۲ میلیون نفر.<sup>۷۷</sup> هواپیمایی ترکیه سهم بازار شرکت‌های تا کنون برتر مثل ایرفرانس، بریتیش ایرویس یا لوفت‌هانزا را به ویژه در کشورهای آفریقای غربی مثل گانا، بنین، کامرون و نیجریه تصاحب کرد.<sup>۷۸</sup>

بزرگترین شرکت انحصاری ترکیه **Koc Holding**<sup>۷۹</sup>، یک کنسرن مختلط است، که در عین حال در صنعت خودرو سازی، تأمین انرژی و خدمات مالی نیز فعال می‌باشد. این شرکت با درآمد ۲۵,۵ میلیارد دلار آمریکا توانست به عنوان اولین شرکت انحصاری ترکیه جزو یکی از ۵۰۰ مافوق انحصار بین‌المللی شود.<sup>۸۰</sup> Koc Holding در روسیه، تایلند، چین، آفریقای جنوبی و رومانی، کارخانجات تولیدی‌اش را اداره و طبقه کارگر این کشورها را استثمار می‌کند. از طریق سرمایه‌گذاری مشترک به ویژه با فورد و فیات، تولید ۴۸ درصد خودرو در ترکیه

۷۴- Excluding finance and insurance companies, radio, television and programing (بدون شرکت‌های مالی و بیمه، رادیو، تلویزیون و برنامه ریزی)

۷۵- Forbes Global 2000, داده‌ها برای ۲۰۱۶

۷۶- GTAI Türkei im Fokus 2015, p. 6

۷۷- Turkish Airlines Annual Report 2015, p. 26 - گزارش سالانه هواپیمایی ترکیه

۲۰۱۵ صفحه ۲۶

۷۸- مجله پرچم سرخ Rote Fahne - شماره ۲۱ - ۲۰۱۶

۷۹- شرکتی که سهام شرکت‌های دیگر را مدیریت و کنترل می‌کند. - مترجم

۸۰- Fortune Global 500

را تعیین می‌کند. انحصارات ترکیه بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ **صدور سرمایه** خود را از ۱,۲ تا ۴۴,۷ میلیارد دلار بالا بردند: حدود تقریباً ۴۰ برابر<sup>۸۱</sup>.

دولت AKP در سیاست خارجی قدرت طلبی یا به اصطلاح **نئوعثمانیسم** (Neo-Osmanism) را در شرق نزدیک و میانه و هم چنین در شمال آفریقا پی ریزی کرده و در این جهت از سازمان‌های فاشیستی - تروریستی با پوشش مذهبی مثل **جبهة النصرة** و «دولت اسلامی» (IS) حمایت می‌کند.

ترکیه در سال‌های ۷۰ قرن گذشته برای ایجاد صنعت تسلیحاتی مستقل تلاش می‌کرد. در سال ۱۹۷۴ در جواب به تحریم تسلیحاتی تحمیل شده به ترکیه توسط آمریکا، «بنیاد تقویت نیروهای نظامی ترکیه» (TSKGV) تأسیس شد<sup>۸۲</sup>. **ساخت و گسترش این مجموعهء نظامی - صنعتی، جاده صاف کن تلاش‌های توسعه طلبانه ترکیه جدید امپریالیستی** شد. از سال ۲۰۱۱ تولیدات تسلیحاتی سالیانه حدود ۲۱ درصد رشد کرد. بودجه نظامی سالانه برای تکامل محصول و تکنولوژی نظامی در سال ۲۰۱۶ نسبت به سال ۲۰۱۵ حدود ۱,۵ میلیارد دلار آمریکا بیش‌تر شد. **شرکت انحصاری تسلیحات نظامی رهبری کننده ترکیه ASELSAN** امروز یک افزایش ۲۷۳ درصدی تقاضا را نسبت به سال ۲۰۱۵ ثبت کرده است.

کنسرن تسلیحاتی ترکیه BMC در اوت ۲۰۱۶ برای ایجاد یک شرکت دختر مشترک (RBSS)، با Reinmetall AG آلمان و Etika Strategi مالزی، قراردادی را امضاء کرد. این قرارداد به نیروی نظامی ترکیه و دیگر ارتش‌ها امکان می‌دهد که از «راه حل سیستم زرهی» جهت ساختن مدرن‌ترین تانک‌های چرخ‌دار و یا شنی‌دار استفاده کنند.

از سال ۲۰۱۵ نیروهای نظامی قطر در کنسرن تسلیحاتی ترکیه BMC با ۴۹ درصد سهام است. ترکیه در آوریل ۲۰۱۷ با قطر قراردادی درمورد تحویل ۱۵۰۰ تانک منعقد نمود. **جاه طلبی امپریالیستی ترکیه بر ساخت اولین ناو هواپیمابر تا سال ۲۰۲۱ تأکید دارد.**

۸۱- UNCTAD FDI Outward Stoch

۸۲- صنعت تسلیحاتی ترکیه ۳۷۳ پروانه حق امتیاز را تا سال ۲۰۲۱ برنامه ریزی می‌کند.

ترکیه جدید امپریالیستی با ترور دولتی‌اش علیه مردم کرد و مبارزات آزادیبخش‌اش و نیز علیه مبارزات طبقه کارگر و توده‌های وسیع، سیستم‌های مختلف اسلحه، سازمان‌های مخفی، پلیس، ارتش و دستجات شبه نظامی را بی رحمانه به کار می‌گیرد.

ارتش ترکیه با ۴۹۳ هزار نفر دهمین ارتش قدرتمند دنیا و بعد از آمریکا قویترین در ناتو است.<sup>۸۳</sup>

وابستگی نواستعماری آن زمان ترکیه به امپریالیسم، به نفوذ متقابل بین قدرت منطقه‌ای جدید امپریالیستی ترکیه و امپریالیسم آمریکا، اتحادیه اروپا و امپریالیسم آلمان تغییر کرد. حکومت AKP بر اساس نقش کلیدی ژئوپلیتیکی‌اش، از تضادهای تشدید شونده بین آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین بهره می‌گیرد. ترکیه، در بحران سیاست پناهنگی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵، از میلیون‌ها انسانی که می‌خواستند از عراق یا مناطق جنگی سوریه از طریق ترکیه به اروپا مهاجرت می‌کنند، به صورت ابزار فشار جهت اعمال سیاست جدید امپریالیستی‌اش سوء استفاده کرد.

ترکیه در اکثر مساجد آلمان امام تعیین می‌کند. دولت ترکیه این امام‌ها را تأمین مالی کرده، آن‌ها را آموزش می‌دهد و سعی می‌کند در ارتباط با رسانه‌های جمعی ترکی زبان‌ها، بخشی از جمعیت با منشأ ترکی را برای سیاست ارتجاعی ترکیه گرد آورد. چندین «روحانی» تا کنون به عنوان همکار سازمان اطلاعاتی مخفی ترکیه محکوم شده‌اند.

جاذبه رشد اقتصادی ترکیه و دستکاری افکار عمومی تا سال ۲۰۱۵، موج بازگشت صدها هزار مهاجر را از اروپا، به دولت اردوغان هدیه کرده است. اتفاقی نبود که دقیقاً بعد از کودتای ناموفق بخشی از ارتش ترکیه در ژوئن ۲۰۱۶، اردوغان همکاری نزدیک با روسیه و اتحادیه شانگهای را در پیش گرفت. در کودتا آن بخشی از دستجات نظامی نقش مهمی ایفا کردند، که محکم در ساختار ناتو گنجانده شده بودند. آن‌ها به جنبش ضد کمونیستی و شبه فاشیستی گولن (Gülen) - مورد حمایت آمریکا - که در سال ۲۰۱۳ از اردوغان جدا شده‌اند، تکیه کردند.

اردغان کودتای شکست خورده را شادمانه دستاویزی قرار داد، تا وضعیت ویژه اعلان کند و پایه توده‌ای برای **برپائی یک دیکتاتوری فاشیستی**، به دست آورد. دولت در آوریل ۲۰۱۷ - در شرایط وضعیت اضطراری - رفراندومی را برگزار کرد. آن‌ها بدین وسیله می‌خواستند به از بین بردن فاشیستی حقوق دموکراتیک و آزادی‌ها، رنگ و لعاب دموکراتیک بدهند. با وجود سرکوب بی رحمانه انقلابیون، اپوزیسیون دموکراتیک و خلق کرد، مقاومت ضد فاشیستی و مبارزه برای آزادی و دموکراسی رشد می‌کنند.

## VI- مبارزه ضروری علیه سوسیال شونیسم، اپورتونیسم و دگماتیسم

تشدید تضادهای سیستم جهانی امپریالیسم و تضادهای طبقاتی، توان بالقوه را برای بحران جهانی انقلابی، گسترش می‌دهد. این‌ها همزمان از طریق شیوه تفکر خرده بورژوائی - اپورتونیستی آبشخور نفوذ اپورتونیسم در جنبش بین‌المللی کارگری و انقلابی هستند. تضاد بین خط انقلابی و اپورتونیستی روشن‌تر خود را نشان می‌دهد. تحت شرایطی که در سیستم جهانی امپریالیستی تضادها تشدید می‌شود، **اپورتونیسم گرایشاً به سوسیال شونیسم تغییر می‌یابد.**

دولت آلمان به صدراعظمی مرکل، نقش رهبری کننده‌اش در اتحادیه اروپا را به عنوان سیاست حفظ صلح، تعادل خواست‌های محیط زیستی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - به مثابه طرحی در تقابل با سیاست ترامپ، اردوغان یا پوتین، جا می‌زند. دقیقاً این به سیستم شیوه تفکر خرده بورژوازی به مثابه متد حکومتی تعلق دارد. دولت آلمان بدین وسیله ماهرانه به توهم آن نیروهای نفوذ خرده بورژوائی - رفرمیستی و خرده بورژوائی - رویونیستی در جنبش کارگری و توده‌ای دامن می‌زند که محافظت از امپریالیست‌های «خوب» یا «قابل تحمل» در مقابل امپریالیست‌های «بدجنس» را در مخیله خود می‌پرورانند.

همه احزاب برلین، به علاوه مجموع رسانه‌های بورژوائی و رهبری راست اتحادیه‌ها کم یا زیاد بر این موضع نوسان می‌کنند. نتیجه: **شیوه تفکر خرده بورژوائی - سوسیال شونیستی در جنبش کارگری و مردمی فزاینده نفوذ می‌کند -** از انتقاد ضد امپریالیستی به امپریالیسم آلمان و اروپا چشم می‌پوشد و امپریالیسم روسیه و چین را در اپوزیسیون ضد امپریالیستی جای می‌زند.

PCMLM (Partido Comunista de Bolivia) - مارکسیست - لنینیست - مائونیست) در ۲۶ مارس ۲۰۱۷ **خروج‌اش را از ایکور<sup>۸۴</sup>** اعلان کرد. این سازمان

۸۴- ICOR: هماهنگی بین‌المللی احزاب و سازمان‌های انقلابی

دلیل این اقدام را علاوه بر طرح مسائل دیگر، به خاطر موضع ایکور در مورد درگیری مسلحانه در اوکراین بیان نموده است.

«برای ما این مسئله، که انسان بتواند روسیه را به عنوان دشمن اصلی و "مهاجم" در اوکراین تلقی کند غیر قابل درک است. این موضع به معنی "تطهیر" امپریالیسم آمریکاست...»<sup>۸۵</sup>

ایکور هیچ زمانی روسیه را به عنوان «دشمن اصلی» ارزیابی نکرده است. هم چنین این مسئله را که خطر اصلی برای صلح جهانی از جانب ابر قدرت آمریکاست، و آمریکا و ناتو و دولت اوکراین در درگیری‌های اوکراین نقش فوق‌العاده ارتجاعی ایفا می‌کنند را، زیر سؤال نبرده است.

اما: آیا واقعاً رهبری PCMLM متوجه نشده است که سیاست پوتین با سرکوب همه جانبه جنبش کارگری، اقلیت‌های ملی، نیروهای دموکراتیک و انقلابی روسیه عجین است؟ آیا این رهبری در شرایطی نیست، که خصوصیت امپریالیستی روسیه را، که رؤیای احیای قدرت روسیه سوسیال امپریالیستی و یا امپراتوری تزار را در سر می‌پروراند، بشناسد؟

امروزه از مبارزات فراکسیونی حزب از هم گسسته‌ء کمونیست آلمان (DKP) نیز بیاناتی در وفاداری برده وار نسبت به روسیه به گوش می‌رسد. معاون مسئول DKP، ورا ریشتر (Wera Richter) در سخنرانی افتتاحیه جلسه مسئولین DKP کاراکتر امپریالیستی روسیه و چین را انکار می‌کند.

«طبعاً تفاوت با G۷ بر سر یک گردهمایی، که در آن منحصرأ رهبران امپریالیست‌های رهبر جمع می‌شوند، نیست... ما می‌دانیم که روسیه و جمهوری خلق چین همانند بعضی دیگر از کشورهای G۲۰ همپیمانان واقعی جنبش صلح هستند.»<sup>۸۶</sup>

DKP در کنفرانس رویونیست‌های مدرن در مونستر (Muenster) در آوریل ۲۰۱۷ روسیه را حتا یک نیروی ضد امپریالیستی معرفی کرد:

۸۵- «جمع بندی اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک حزب کمونیست بولوفین Bolivhens (MLM) با ایکور»، 20.3.2017

۸۶- اطلاعات حزب کمونیست آلمان DKP - - شماره: ۳/۲۰۱۷ - 21.6.2017 - نهمین نشست مسئولین حزب - 17/18.6.2017 - شهر اسن (Essen)

«روسیه اجباراً سیاست دشمنی با ناتو را در پیش گرفته است و لذا به طور عینی ضد امپریالیستی عمل می‌کند.»<sup>۸۷</sup>

این منطق بی معنی مشخصه گذار رویونیسم به سوسیال شونیسم است. این سوسیال شونیستی است، زیرا با پرچم نگرش انقلابی بین تضادها و یا جنگ‌های امپریالیستی در جانب این یا آن امپریالیسم می‌ایستد. طبقه کارگر، توده‌های تحت ستم و انقلابیون جهان می‌بایست بدون استثنا علیه هر نوعی از امپریالیسم مبارزه کنند. در بین سازمان‌ها و احزاب ایکور در این زمان چالشی پربار و بخش جدلی بر سر ظهور کشورهای جدید امپریالیستی و نتایج حاصل از آن در حال رشد است. بعضی از احزاب از واژه «کشور جدید امپریالیستی» صریحاً اجتناب کرده و از «قدرت منطقه‌ای» صحبت می‌کنند. اما «قدرت منطقه‌ای» تنها یک توصیف سطحی برای تلاش‌های گسترش طلبانه کشورهای مثل هند، ترکیه و عربستان سعودی است. با چنین توصیفی خصوصیات این کشورها به طریق علمی و نقطه نظر طبقاتی مشخص نمی‌شود. این در مورد واژه‌هایی مثل کشورهای «شبه امپریالیستی» و یا «در حال توسعه» نیز صادق است.

بر علیه نامیدن عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی (VAE) به عنوان کشورهای جدید امپریالیستی چنین اعتراض می‌شود، که این کشورها «به سختی بنیان تولید مستقل پیشرفته‌ای» داشته‌اند. واقعاً بنیان تولیدی آن‌ها محدود و بر نفت و گاز متمرکز بوده است. به هر حال این‌ها در شیوه تولید بین‌المللی ادغام شده‌اند. این کشورها سرمایه بیش از حد انباشت شده خود را به صورت سهام در انحصارات بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌کنند. ۲۲٫۷ درصد کارکنان در عربستان سعودی در صنعت، ۷۱٫۲ درصد در بخش به اصطلاح خدمات مشغولند، که محل کار بخش اعظم‌شان با محل کار صنعتی قابل قیاس است. عربستان سعودی در سال ۲۰۱۳ از طریق آرامکو، که بر مبنای تخمین ارزش بورس، بزرگترین شرکت انحصاری جهان است، ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا درآمد دارد. عربستان سعودی در سال ۲۰۱۳، ۲۰ انحصار از ۲ هزار انحصار بزرگ جهان، امارات متحده عربی ۱۴



و قطر ۸ انحصار را صاحب‌اند<sup>۸۸</sup>. شش تا هشت میلیون کارگر در عربستان سعودی، از پاکستان، بنگالادش و فیلیپین می‌آیند. آن‌ها در شرایط غیر انسانی استثمار می‌شوند و تحت ستم هستند.

بر مبنای سطح امروزی تقسیم کار بین‌المللی، در دسترس بودن اساس تولید همه جانبه، معیار ارزیابی جهت ارتقاء یک کشور به عنوان «امپریالیستی» نیست. تمرکز کشورهای امپریالیستی و انحصارات بین‌المللی آن‌ها بر زمینه‌هایی است، که در آن‌ها بر سر رهبری بازار جهانی نبرد می‌کنند، ارزش انحصار را دیکته می‌کنند و کشورهای دیگر - از جمله امپریالیستی - را می‌توانند به تابعیت از خود درآورند. استراتژی صدور سرمایه که از جانب عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی پیگیری می‌شود نیز با این تمرکز منطبق است. صندوق دولتی Qatar Investment Authority بیش از مبلغ برآورد شده ۳۳,۵ میلیارد دلار آمریکا را در اختیار دارد. این صندوق با میلیاردها دلار آمریکا در شرکت‌های سهامی و پروژه‌های بزرگ مستغلات و ساختاری در سطح جهان سهیم است، از آن جمله تنها با ۵۷ میلیارد دلار آمریکا در فقط ده شرکت مثل فولکس واگن، Glencore یا Royal Dutch Shell سهم دارد<sup>۸۹</sup>. در عربستان سعودی ۴۵۰ میلیارد یورو در بانک مرکزی مدیریت می‌شود که از آن، اعتبار بانکی برای سطح جهانی واریز شده و اوراق قرضه و بورس عمده خریداری می‌شود.

لنین تأکید می‌کند، که دقیقاً جدائی از تولید مستقیم، شاخص ویژه سرمایه مالی امپریالیستی حاکم است.

«اکنون سرمایه مالی، که به ویژه متحرک و نرمش پذیر، به ویژه ملی و همین طور بین‌المللی در هم تنیده شده است، که به ویژه غیر خصوصی و جدا از تولید مستقیم می‌باشد، که به ویژه خود را آسان متمرکز می‌کند و اکنون به ویژه با قدرت خود را متمرکز کرده، «حاکم» تیپیک جهان شده است، به طوری که به معنی واقعی کلمه چند صد میلیارد و میلیونر سرنوشت جهان را در دست گرفته‌اند.»<sup>۹۰</sup>

۸۸- Forbes Global 2000

۸۹- www.bloomberg.com

۹۰- مقدمه‌ای بر جزوه ن. بوخارین «اقتصاد جهانی و امپریالیسم» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۱۰۳

آن چه را که لنین در باره وجود انگلی امپریالیسم می‌نویسد، در مورد شیخ نشینان عرب نیز صادق است.

«ایجاد <کشور تنزیل بگیر> یا کشور رباخواری که بورژوازی آن به طور روزافزونی با صدور سرمایه و <سفته بازی> (clipping coupons) گذران می‌کند، بیش از پیش و هر روز به طور بارزتری به مثابه یکی از تمایلات دیگر امپریالیسم ظاهر می‌گردد»<sup>۹۱</sup>.

مخالفت دیگری علیه خصوصیت جدید امپریالیستی این شیخ نشینان، «ساختار حاکمیت فنودالی» آن‌هاست. این مخالفت می‌بایستی علیه لنین نیز باشد، او روسیه تزاری را به عنوان «امپریالیسم در بی رحمی بی مثال، قرون وسطائی، به لحاظ اقتصادی عقب مانده و نظامی - بوروکراتیک»<sup>۹۲</sup> تعریف می‌کند. شکل حاکمیت مطلقه، به مثابه شکل ویژه سرمایه‌داری انحصاری دولتی، بسیار مناسب است.

ارزیابی‌های در واقعیت متناقض درباره کشورهای جدید امپریالیستی **نتیجه کاربرد دگماتیستی مارکسیسم - لنینیسم** است. این‌ها اشتباهات اجتناب ناپذیری را در استراتژی و تاکتیک به دنبال خود می‌کشند و عقب گردهای اجتناب ناپذیری را در مبارزه آزادیبخش اجتماعی و ملی باعث می‌گردند.

۹۱- «امپریالیسم به مثابه بالارین مرحله سرمایه» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۳۰۵

۹۲- «نتایج تحت درباره حق تعیین سرنوشت» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۳۶۸

## VII- کیفیت جدید بحران ذاتی (Krisenhaftigkeit)

### و عمومی امپریالیسم

تا انحلال اتحاد شوروی در سیستم جهانی امپریالیستی، وضعیتی **دوقطبی** موجود بود. آمریکا و اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی، ابر قدرت‌های امپریالیستی بودند. امروزه نیز به واسطه برآمد تعداد زیاد کشورهای جدید امپریالیستی، که وزنه و نفوذ هر چه بیش‌تری در اقتصاد و سیاست جهانی به دست می‌آورند، به جای جهان دو قطبی یک جهان **چند قطبی** به وجود آمده است.

در صد سال پیش نیز جهان تحت حاکمیت تعدادی قدرت‌های بزرگ امپریالیستی بود. اکثریت قاطع انسان‌ها در مستعمرات و نیمه مستعمرات زندگی می‌کردند. ولی امروزه حدود ۶۵,۵ درصد از جمعیت جهان در کشورهای امپریالیستی زندگی می‌کنند.

بنابراین بخش بزرگی از مناسبات اجتماعی در بالاترین و آخرین مرحله سرمایه‌داری، مرحله گذار بی واسطه به سوسیالیسم، قرار دارد. این تکامل به معنی جهشی است به یک کیفیت جدید بحران ذاتی (Krisenhaftigkeit) و همه جا گیر سیستم جهانی امپریالیستی و شانس است برای انقلاب بین‌المللی سوسیالیستی.

در کشورهایی که به صورت وابستگان مستعمراتی غارت می‌شوند، توده‌ها را در مناسبات فاجعه باری قرار می‌هند. بعضی از این کشورها - مثل افغانستان، سوریه، عراق، یمن، کنگو یا لیبی - از سال‌های گذشته به واسطه رقابت بین امپریالیست‌های کهنه و جدید، در جریان جنک‌ها و ترور ارتجاعی، کاملاً تکه پاره شده‌اند.

در داخل کشورهای امپریالیستی تضادهای طبقاتی تشدید می‌شود. شکاف فقر و ثروت همیشه بازتر می‌گردد. در حالی که انحصارات حاکم قشر ممتازی از خرده بورژوازی و کارگران صنعتی را به عنوان بنیان توده‌ای برای حاکمیت خود فاسد می‌کنند، یک توده افزون شونده از کل جمعیت نیز به فقر کشیده می‌شود و استثمار بیش از حد کارگران دم افزون عادی‌تر تلقی می‌گردد.

درک یک جهان چند قطبی به هیچ وجه به معانی درک یک بلوک یکپارچه نیروهای همسطح نخواهد بود. برعکس، انسان می‌بایست در درون قدرت‌های امپریالیستی جدید و قدیم از گروه‌هایی با کیفیت‌های متفاوت، بر مبنای این که چه نقشی در توان اقتصادی، سیاسی و نظامی در سیستم جهانی امپریالیستی دارند، صحبت کند.

در سال‌های ۷۰ قرن گذشته انسان می‌توانست امپریالیسم جهانی را به **امپریالیسم درجه اول و امپریالیسم درجه دوم** متمایز کند. هر دو ابر قدرت آمریکا و سوئیال امپریالیسم اتحاد شوروی امپریالیست‌های درجه اول بودند و جمهوری فدرال آلمان، فرانسه یا ژاپن برای مثال امپریالیست‌های درجه دوم.

مارکسیست - لنینیست‌ها در آن زمان علیه بی‌ضرر جلوه دادن آن زمان امپریالیسم آلمان توسط «جنبش مارکسیست - لنینیستی» خرده‌بورژوائی، که بخشاً تا تبلیغ دفاع از میهن علیه ابر قدرت‌ها پیش می‌رفت قاطعانه موضع گرفتند: کشورهای درجه دوم امپریالیستی «تلاش می‌کردند تا در سایه امپریالیست‌های درجه اول، اهداف انحصارات دولتی‌شان را جهت اخذ حداکثر سود و استثمار نو مستعمراتی کشورهای در حال رشد، پیاده کنند. اما چه کسی می‌تواند بگوید، که تقسیم نیروهای کنونی، همین‌طور باقی می‌ماند؟»<sup>۹۳</sup>

به واسطه ظهور کشورهای جدید امپریالیستی، ساختار سیستم جهانی امپریالیسم به لرزه درآمد.

**چین و روسیه قدرت‌های بزرگ امپریالیستی در سیاست جهانی هستند**، روسیه قبل از هر چیز یک قدرت نظامی است. چین در راه ابر قدرت شدن و در مبارزه بر سر حاکمیت جهانی رقیب اصلی استراتژیک امپریالیسم آمریکاست، که ادعای حاکمیت جهانی‌اش را در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی هم چنان تهاجمی دنبال می‌کند.

**اتحادیه اروپا به عنوان اتحادیه کشورهای امپریالیستی** با بیش از ۲۰ کشور امپریالیستی سعی می‌کند، که به یک قدرت بزرگ و جدید سیاست جهانی تبدیل شود.

۹۳ - KABD - China aktuell - شماره: ۲ - صفحه: ۴۳ (اتحادیهی کمونیستی کارگران آلمان - چین در حال حاضر)

خروج بریتانیای کبیر از اتحادیه اروپا به ویژه در این ارتباط یک عقب گرد است. کشورهای مختلف به مثابه کشورهای امپریالیستی، غالباً در اتحاد با دیگر قدرت‌های بزرگ امپریالیستی، پیش از هر چیز برای **سیطره منطقه‌ای** تلاش می‌کنند، مثل ترکیه، اسرائیل، عربستان سعودی، برزیل، آفریقای جنوبی یا هند. **کشورهای ضعیف‌تر امپریالیستی** به عنوان شرکای کوچک، یا در عمل کرد ویژه (برای مثال نروژ، سنگاپور، لوکزامبورگ یا سوئیس) سهم‌شان را از تولید ارزش اضافه در سطح جهانی دریافت می‌کنند. این **کیفیت چند قطبی امپریالیستی** مبارزه رقابتی را در سطح جهانی تشدید کرده، بی ثباتی حاکمیت امپریالیستی را عمیق نموده، سیستم جهانی امپریالیستی را در اساس ضعیف کرده و بحران عمومی سرمایه‌داری را عمیق نموده است.

### چرخش به راست (Rechtsruck) بین‌المللی حکومت‌های امپریالیستی

از سال ۲۰۱۲ با نخست‌وزیری شینزو آبه (Shinzo Abe) در ژاپن، مرتجعین آشکار و حکومت‌های ناسیونالیستی و شبه فاشیستی هر چه بیشتری- در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ با سرعت - بر سر کار گمارده شدند، قبل از همه می‌بایست از کشورهای جدید امپریالیستی با حکومت‌های نارندامودی در هند، میشل تمر (Michel Temer) در برزیل، انریک نیئو (Enrique Nieto) در مکزیک نام برد. حکومت‌های دیگر به سیاست فوق ارتجاعی کشیده شدند مثل ولادیمیر پوتین در روسیه، دولت ANC تحت ریاست یاکوب سومما (Jacob Zuma) در آفریقای جنوبی یا حکومت مرکل - گابریل در آلمان. رجب طیب اردوغان در ترکیه در تابستان ۲۰۱۶ یک دیکتاتوری فاشیستی برقرار کرد. اساس مادی مشخص **تجاوزگری ویژه حکومت** فوق ارتجاعی، نژادپرست و شبه فاشیستی **دونالد ترامپ** با برنامه «اول آمریکا» پیش، در عقب ماندن امپریالیسم

آمریکا از جایگاه حاکم بر بازار جهانی است. کمیته مرکزی MLPD در آوریل ۲۰۱۷ در مورد کیفیت جدید حکومت ترامپ، به ارزیابی‌های زیر<sup>۹۳</sup> رسید:

«تغییرات از زمان به قدرت رسیدن دونالد ترامپ به هیچ وجه فقط خصوصیت تعویض حکومت را ندارد: با ورود او به حکومت، شیوه حاکمیت تغییر یافت. این‌ها هر چه بیش‌تر در تضاد با راه و رسم متداول دموکراسی بورژوائی قرار می‌گیرند، و گرایشاً نظم بعد از جنگ در سیستم جهانی امپریالیسم را منحل می‌کنند و ترامپ به جای سیستم حکومتی شیوه تفکر خرده بورژوائی، ارتجاع آشکاری را در درون و بیرون اعمال می‌نماید.»<sup>۹۴</sup>

در همه این‌ها گرایش اساسی امپریالیسم خود را نشان می‌دهد: اعمال ارتجاع در درون و تهاجم به بیرون. این امر توده‌ها را در سطح جهانی جهت یک مقاومت فعال به چالش طلبیده و آغازگر یک تغییر جو مسترقی (progressive change of mood) بین‌المللی شده است.

مبارزهء خشمگینانه پرولتاریای صنعتی بین‌المللی، مبارزات توده‌ای قیام‌گونه و جنبش برای آزادی و دموکراسی نشانه‌هایی هستند در شکل‌گیری فاکتورهای عینی و ذهنی جهت گذار به دگرگونی انقلابی در سطح بین‌المللی. امروزه در این مبارزات گرایش عمده در جهان خود را می‌نمایاند: تدارک انقلاب بین‌المللی سوسیالیستی. ما در سال ۲۰۰۳ در کتاب «غروب خدایان بر فراز <نظم نوین جهانی>» مشخص کردیم، که یک مرحله دگرگونی جدید تاریخی آغاز شده است:

«که امپریالیسم با وجودی که سازمان نوین تولید را در پیش می‌گیرد، اما بر اساس تضادهای غیر قابل حل درونی‌اش هیچ‌گاه نمی‌تواند یک دولت جهانی به وجود آورد، روشن می‌کند، که امپریالیسم به مرز نسبی تکامل تاریخی‌اش می‌رسد. نیروهای تولیدی مدرن، مناسبات تولیدی‌ای را خواهند، که در انطباق خصوصیت بین‌المللی‌شان باشد، اما این فقط در کشورهای متحد سوسیالیستی جهان قابل تحقق است.» (صفحه ۵۶۸)

به هر حال اشتباه خواهد بود، که فرض را بر درماندگی مطلق امپریالیسم بگذاریم.

۹۴- سخنرانی اصولی گابی فشتنر Gabi Fechtner (تولد: گرتنر Gärtnert) در باره اساسنامه - با هماهنگی اشتفان انگل - مجله پرچم سرخ - صفحه ۱۴ - 9/2017

این توهم جواب ستایش خورده بورژواآبانه **جریان خود به خودی** به خصوصیت آشکار شونده امپریالیسم به عنوان سرمایه‌داری میرنده، می‌باشد. این قبل از هر چیز **ضد کمونیسم مدرن** است، که طبقه کارگر و توده‌ها می‌بایست با آن تصفیه حساب کنند، تا بدین وسیله آگاهانه آلترناتیو انقلابی مارکسیست - لنینیستی مبارزه را برای سوسیالیسم واقعی به کار ببرند.

در عمل، نیروی سازمانی، دور اندیشی، آگاهی حزب انقلابی، کسب اکثریت قاطع پرولتاریای صنعتی بین‌المللی، اتحاد و استحکام آن‌ها در بین توده‌ها، به ویژه جنبش مبارزه جویانه زنان، تیمار (schmieden) اتحاد مبارزه با بخش رشد یابنده اقشار میانه خرده بورژوا - روشنفکر علیه انحصارات و دولت، به دست آوردن جوانان و همکاری بین‌المللی آن‌ها، هماهنگی و انقلابی کردن آن‌ها، و این که آیا همه این‌ها می‌توانند از یک بحران انقلابی استفاده کنند و یا نه، تعیین کننده است. بر این مبنا اکنون همه چیز به **تقویت عامل ذهنی** بستگی دارد.

برای بنای موفقیت آمیز یک حزب طراز نوین، تحلیل دائمی ماتریالیستی - دیالکتیکی روابط قانونمند درونی، علی‌الخصوص پدیده‌های نوین و تغییرات اساسی در طبیعت و جامعه، رده بندی صحیح و استخراج نتایج ضروری آن‌ها برای **استراتژی و تاکتیک قابل پیش بینی مارکسیست لنینیستی** در مبارزه طبقاتی، مسئله کلیدی است.

در این جهان در هم ریخته، بی ثبات و بحرانی می‌بایست در مقابل امپریالیسم نیروی برتری به وجود آید. زمان برای **بنای یک جبهه واحد بین‌المللی ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی** که می‌بایست هسته آن را پرولتاریای صنعتی بین‌المللی تشکیل دهد، آماده است.

**تقویت ایکور** و توسعه بیشتر **همکاری و هماهنگی** عملی برای بیداری و **بالا بردن شعور طبقاتی** در رابطه با **ساختمان و تقویت قابل توجه احزاب انقلابی** در تعداد **بیش‌تری از کشورها**، مهم‌ترین پیش شرط برای تدارک موفقیت آمیز انقلاب بین‌المللی سوسیالیستی است.

## ضمیمه

مجموعه نقل قول‌های مهم و. ای. لنین درباره  
موضوع «کشورهای جدید امپریالیستی»

### پیدایش امپریالیسم

امپریالیسم قانونمندانه از سرمایه‌داری تکامل می‌یابد.

سیاست مستعمراتی و امپریالیسم به هیچ وجه زائده بیمارگونه و یا قابل علاج سرمایه‌داری نیست (آن طور که خرده بورژواهای تنگ نظر از جمله کائوتسکی معتقدند)، بلکه نتیجه اجتناب ناپذیر بنیان سرمایه‌داری است. («امپریالیسم و سوسیالیسم در ایتالیا»، ۱۹۱۵، لنین - مجموعه آثار، جلد ۲۱، صفحه ۳۶۲)

### جایگزینی رقابت آزاد توسط انحصارات

کوشش برای انحصاری شدن، فتح مناطق، به عنوان منبع مواد خام برای سرمایه‌گذاری و غیره، جایگزین تجارت آزاد و رقابت آزاد شده است. سرمایه‌داری به عنوان آزاد کننده ملت‌ها، در زمان زورآزمایی با فئودالیسم، به بزرگترین ستمگر ملت‌ها در دوران امپریالیسم تبدیل شده است. («سوسیالیسم و جنگ»، لنین - نوشته شده در جولای تا اوت ۱۹۱۵ - مجموعه آثار - جلد ۲۱ - صفحه ۳۰۲)

### انواع اصلی تشکیل انحصار

چهار نوع انحصار یا شکل اصلی تظاهر سرمایه‌داری انحصاری برجستگی ویژه‌ای دارد، که مشخصه قرن مورد نظر ماست.

یکم: انحصار از تمرکز تولید به سطح عالی تکامل‌اش رسیده است. این‌ها اتحادیه‌های انحصاری سرمایه‌داران، کارتل‌ها، سندیکاها و تراست‌ها هستند (....)



دوم: انحصاراتی که در ابعاد وسیع منابع مواد خام را تصرف کرده اند (....) سوم: شرکت انحصاری از تکامل بانک‌ها به وجود آمده است. این انحصارات از کارهای میانجی‌گرانه ساده به انحصارگران سرمایه مالی تغییر یافته‌اند (....) یک اولیگارش‌ی مالی (....) - این خشن‌ترین شکل ظهور شرکت انحصاری است. چهارم: (....) سرمایه مالی به خاطر صدور سرمایه و «منطقه نفوذ»، به تعداد زیادی انگیزه‌های «قدیمی» سیاست استعماری، مبارزه بر سر منابع مواد خام را نیز افزود.... («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۳۰۴ - ۳۰۵)

### تدارک سریع جهانی تولید سرمایه‌داری

فرق اقتصادی بین مستعمرات و خلق‌های اروپا - حداقل اکثریت این خلق‌ها - در گذشته این بود، که مستعمرات به تبادل کالا، ولی نه هنوز به تولید سرمایه‌داری، کشیده شدند. امپریالیسم در این جا تغییر به وجود آورد. امپریالیسم در عین حال نیز به معنی صدور سرمایه است. تولید سرمایه‌داری با سرعتی فزاینده در مستعمرات نیز ریشه می‌دواند. («نتیجه بحث درباره حق تعیین سرنوشت» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۳۴۴ - ۳۴۵ - نوشته شده در ژوئیه ۱۹۱۶)

### تعریف امپریالیسم

#### امپریالیسم به عنوان سرمایه‌داری انحصاری، انگلی و میرنده

امپریالیسم یک مرحله ویژه تاریخی سرمایه‌داری است. این ویژگی یک چیز سه بُعدی است: امپریالیسم عبارت است از: ۱- سرمایه‌داری انحصاری؛ ۲- سرمایه‌داری انگلی یا فاسد شونده؛ ۳- سرمایه‌داری میرنده. جایگزینی انحصار به جای رقابت آزاد، خصوصیت اصلی اقتصادی و جوهر امپریالیسم است. («امپریالیسم و انشعاب سوسیالیسم» - لنین - نوشته شده در اکتبر ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۳ - صفحه ۱۰۲)

### تعریف امپریالیسم و انعطاف پذیری این واژه

اگر خواسته باشیم تعریف حتی المقدور کوتاه تری برای امپریالیسم به دست دهیم، باید بگوئیم امپریالیسم مرحله‌ی انحصاری سرمایه‌داریست. (...)

ولی تعاریف بسیار کوتاه گرچه فهم مطلب را آسان می‌کنند، زیرا نکات عمده را تلخیص می‌نمایند، مع الوصف کافی نیستند، چون که باید خصوصیات بسیار مهم پدیده‌ای را که به تعریف احتیاج دارد از آن‌ها بیرون کشید. بنابراین می‌بایست - بدون فراموش کردن اهمیت مشروط و نسبی تمام تعریف‌های کلی که هر گز نمی‌توانند روابط همه جانبه یک پدیده را در تمام سیر تکامل آن دربر بگیرند - برای امپریالیسم چنان تعریفی را به دست دهد که متضمن پنج علامت زیر باشد:

(۱) تمرکز تولید و سرمایه که به آن چنان مرحله‌ی عالی تکامل رسیده که انحصارهایی را که در زندگی اقتصادی نقش قاطعی بازی می‌کنند به وجود آورده است؛

(۲) درهم آمیختن سرمایه‌ی بانکی با سرمایه‌ی صنعتی و ایجاد الیگارش‌ی مالی بر اساس این «سرمایه‌ی مالی»؛

(۳) صدور سرمایه که از صدور کالا متمایز است، اهمیتی فوق‌العاده کسب می‌نماید؛

(۴) اتحادیه‌های انحصاری بین‌المللی سرمایه‌داری که جهان را بین خود تقسیم نموده اند پدید می‌آید و

(۵) تقسیم ارضی جهان از طرف بزرگ‌ترین دول سرمایه‌داری به پایان رسیده است. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۷۰ - ۲۷۱)

## مشخصات اساسی امپریالیسم

### امپریالیسم به عنوان حاکمیت بر کل زندگی اجتماعی

انحصار پس از آن که به وجود آمد و با میلیاردها سر و کار پیدا کرد بدون توجه به نظام سیاسی و هر گونه «خصوصیات» دیگر با ناگزیری مطلق در تمام جوانب زندگی نفوذ می‌کند. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۴۱)

### مبارزه بر سر تقسیم جهان

بنابراین، بدون شک این واقعیتی است که گذار سرمایه‌داری به مرحله سرمایه‌داری انحصاری، به سرمایه مالی، با تشدید مبارزه بر سر تقسیم جهان گره خورده است. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۶۰)

### امپریالیسم، «تجارت آزاد» و «حفاظت گمرکی محصولات بومی»

اگر تجارت آلمان با مستعمرات انگلیس سریعتر از تجارت انگلیس با مستعمراتش رشد کند، این فقط ثابت می‌کند، که امپریالیسم آلمان تازه‌تر، قوی‌تر، سازمان‌ده شده‌تر است و در مرحله بالاتری از انگلیس قرار دارد، ولی این به هیچ وجه «برتری» تجارت آزاد را ثابت نمی‌کند، زیرا در این جا تجارت آزاد علیه سیستم حفاظت گمرکی (Schutzzoll) و وابستگی مستعمراتی مبارزه نمی‌کند، بلکه امپریالیسم علیه امپریالیسم، انحصار علیه انحصار، سرمایه مالی علیه سرمایه مالی مبارزه می‌کند. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۹۵-۲۹۶)

### تحرك ویژه، انعطاف پذیری، درهم تنیدگی ملی و بین‌المللی سرمایه مالی

سرمایه مالی، که به ویژه متحرک و نرمش پذیر، به ویژه ملی و بین‌المللی درهم تنیده شده است، که به ویژه غیر خصوصی و جدا از تولید مستقیم می‌باشد، که به

ویژه خود را آسان متمرکز می‌کند و اکنون به ویژه با قدرت خود را متمرکز کرده است، در حال حاضر «حاکم» تیپیک جهان شده است، به طوری که به معنی واقعی کلمه چند صد میلیارد و میلیونر سرنوشت جهان را در دست گرفته‌اند. (لنین - مقدمه‌ای بر جزوه ن. بوخارین «اقتصاد جهانی و امپریالیسم» و مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۱۰۳)

### امپریالیسم سرمایه‌داری انگلی است

دولت تنزیل بگیر عبارت است از دولت سرمایه‌داری طفیلی و در حال گندیدن و این وضعیت نمی‌تواند در کلیه شرایط اجتماعی- سیاسی کشور معین عموماً و در دو جریان اساسی جنبش کارگری خصوصاً منعکس نگردد. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۸۳)

### امپریالیسم رباخوار

فرانسه سرمایه‌دار شده‌اش را عمدتاً در اروپا و قبل از همه در روسیه (نه کمتر از ۱۰ میلیارد فرانک) به کار گرفته، که بخش عمده آن سرمایه استقراری و وام‌های دولتی است و نه سرمایه به کار گرفته شده در کارخانجات صنعتی. برخلاف امپریالیسم مستعمراتی انگلستان، می‌توان امپریالیسم فرانسه را امپریالیسم رباخوار نامید. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۴۷)

### صدور سرمایه از سرمایه بیش از حد انباشته شده

ضرورت صدور سرمایه بدین طریق به وجود آمده، که در بعضی از کشورها سرمایه‌داری «بیش از حد نضج» یافته است و (در شرایط عقب ماندگی کشاورزی و فقر توده‌ها) عرصه برای به کارگیری «سودآور» سرمایه وجود ندارد. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۴۵)

### صدور سرمایه برای افزایش سود

تا وقتی سرمایه‌داری، سرمایه‌داری میماند، مازاد سرمایه جهت ارتقای سطح زندگی توده‌های این کشورها به کار گرفته نمی‌شود - زیرا این به معنی کاهش سود سرمایه‌داران خواهد بود - بلکه جهت افزایش سود از طریق صدور سرمایه به خارج از کشور، در کشورهای عقب مانده به کار گرفته خواهد شد. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۴۵)

### صدور سرمایه در شکل سرمایه گذاری مالی (financial investments)

خواست‌های امپریالیستی آن طور که عموماً شناخته شده است، نه فقط از طریق تصرف سرزمین‌ها متحقق می‌شود، بلکه از طریق مالی نیز تحقق می‌یابد. بورژوازی سوئیس - این نمی‌بایست نادیده گرفته شود - با صدور سرمایه حداقل ۳ میلیارد فرانک سوئیسی، خلق‌های عقب مانده را به طریق امپریالیستی استثمار می‌کند. این یک واقعیت است. این نیز واقعیت است، که سرمایه بانکی سوئیس با سرمایه بانکی قدرت‌های بزرگ در فشرده‌ترین ارتباط و درهم آمیختگی است. («حفاظت از بی طرفی» لنین - نوشته شده در ژانویه ۱۹۱۷ - مجموعه آثار - جلد ۲۳ - صفحه ۲۷۲)

### گسترش تکامل سرمایه‌داری به واسطه صدور سرمایه

صدور سرمایه در تکامل سرمایه‌داری کشورهایی که سرمایه به آن‌ها صادر می‌شود تأثیر می‌گذارد و آن را بی اندازه سرعت می‌بخشد. بنابراین اگر صدور سرمایه تا اندازه‌ای تکامل کشورهای صادر کننده را کند می‌کند، در عوض باعث گسترش تکامل بیشتر سرمایه‌داری و تعمیق آن در تمام جهان می‌گردد. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۴۷)

### جا به جایی قدرت به واسطه تکامل ناموزون

امپریالیسم جهان را از روی بدجنسی خاصی در بین خود تقسیم نمی‌کند، بلکه رسیدن به مرحله‌ای از انباشت آن را مجبور می‌کند جهت کسب سود این راه را بپیماید: در ضمن این تقسیم «بر مبنای سرمایه»، «بر مبنای قدرت» انجام می‌شود. - تقسیم با شیوه دیگری نمی‌تواند در سیستم تولید کالایی و سیستم سرمایه‌داری وجود داشته باشد. اما قدرت به نسبت تکامل اقتصادی و سیاسی تغییر می‌کند. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۵۷)

### به وجود آمدن کشورهای جدید امپریالیستی

امپریالیسم سریع‌تر از همه در مستعمرات و کشورهای ماوراء دریاها رشد می‌کند. از بین این کشورها قدرت‌های جدید امپریالیستی به وجود می‌آید (ژاپن). («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۷۹)

### تمام کشورهای متمدن امپریالیستی می‌شوند

سویس نیست که این را از پرولتاریا می‌طلبد، بلکه سرمایه‌داریست، که در تمام کشورهای متمدن، هم چنین در سویس، به سرمایه‌داری امپریالیستی تبدیل شده است. («دوازده تن کوتاه درباره دفاع تهوع آور دفاع از میهن» - لنین - ژانویه ۱۹۱۷ - مجموعه آثار - جلد ۲۳ - صفحه ۲۶۵ - ۲۶۶)

### قانون تکامل ناموزون

ناموزونی تکامل اقتصادی و سیاسی یک قانون اجتناب ناپذیر سرمایه‌داری است. («درباره راه حل ایالات متحده اروپا»، لنین - 23.8.1915 - مجموعه آثار - جلد ۲۱ - صفحه ۳۴۵)

### امپریالیسم منجر به بحران و جنگ می شود

تحت نظام سرمایه‌داری رشد موزون در تکامل اقتصادی اقتصادهای مجزا و کشورهای مجزا ممکن نیست. در سرمایه‌داری وسیله دیگری غیر از بحران در صنعت و جنگ در سیاست، وجود ندارد، که تعادل از بین رفته در زمان‌های مختلف را دوباره احیاء کند. («درباره راه حل ایالات متحده اروپا» - لنین - 23.8.1915 - مجموعه آثار - جلد ۲۱ - صفحه ۳۴۴ - ۳۴۵)

### اتحادیه امپریالیستی

اتحادیه‌های «اینتر - امپریالیستی» یا «اولترا - امپریالیستی» در واقعیت سرمایه‌داری (ولی نه در تخیلات مبتذل خرده بورژوائی کشیش‌های انگلیسی یا کائوتسکی «مارکسیست» آلمانی) اعم از این که به هر شکلی منعقد شده باشد، خواه به شکل یک ائتلاف امپریالیستی بر ضد ائتلاف امپریالیستی دیگر و خواه به شکل اتحاد همگانی تمام دول امپریالیستی با یکدیگر - ناگزیر چیزی جز «تنفس‌های» بین دو جنگ نخواهند بود. اتحادهای زمان صلح مقدمات جنگ را فراهم می‌آورند و خود نیز زائیده‌ی جنگ هستند، و چون یکی معلول دیگر است لذا بر زمینه‌ی واحد ارتباط‌ها و مناسبات متقابل امپریالیستی اقتصاد جهانی و سیاست جهانی موجب پیدایش تغییراتی در شکل‌های مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز می‌گردند. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۳۰۱)

### امپریالیسم به عنوان ارتجاع در تمام جهات

امپریالیسم، دوران سرمایه‌مالی و انحصارات است، که در همه جا تمایل شدید به حاکمیت دارد و نه به آزاد. نتیجه این تمایلات عبارت است از ارتجاع در تمام جهات، تحت هر سیستم سیاسی و تشدید خارج از اندازه تضادها («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۳۰۲)

### توهم دموکراسی در امپریالیسم

سرمایه‌داری کلا و امپریالیسم به ویژه دموکراسی را به یک توهم تبدیل می‌کند - و همزمان، کوشش‌های دموکراتیک را در توده‌ها به وجود می‌آورد. وقتی هم که سرمایه‌داری باعث به وجود آمدن نهادهای دموکراتیک می‌شود، آشتی ناپذیری بین امپریالیسم نافی دموکراسی و توده‌های خواهان دموکراسی را تشدید می‌کند. («جواب به پ. کیجفسکی (ج. پتاجاکف)» - لنین - نوشته شده در اوت تا سپتامبر ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۳ - صفحه ۱۴)

### امپریالیسم به مثابه سرمایه‌داری میرنده

#### دیالکتیک رشد و گندیدگی

این اشتباه خواهد بود، اگر بر این باور باشیم، که روند گندیدگی سرمایه‌داری، رشد سریع آن را منتفی می‌سازد؛ (... در کل، امپریالیسم به طور قابل توجهی سریع‌تر از گذشته رشد می‌کند، اما این رشد نه تنها به طور عام دائماً ناموزون‌تر می‌شود، بلکه این ناموزونی به ویژه خود را در گندیدگی کشورهایی نشان می‌دهد که به لحاظ سرمایه از دیگران قوی‌ترند (انگلستان). («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۳۰۵ - ۳۰۶)

#### سرمایه‌داری میرنده، اما هنوز نمرده

امپریالیسم به واقع سرمایه‌داری را به طور اساسی تغییر نمی‌دهد، و نمی‌تواند هم تغییر دهد. (... امپریالیسم سرمایه‌داری در حال احتضار است و نه محتضر، میرنده است ولی هنوز نمرده. نه انحصار خالص، بلکه انحصار در کنار مبادله، در کنار بازار، در رقابت، در بحران‌ها - این است کلاً مشخصه اساسی امپریالیسم. («ماتریال برای تجدید نظر در برنامه حزب» - لنین - ۱۹۱۷ - مجموعه آثار - جلد ۲۴ - صفحه ۴۶۵)



## امپریالیسم و سرمایه‌داری انحصاری دولتی به مثابه مرحله پیشا سوسیالیسم

### امپریالیسم به مثابه سرمایه‌داری انحصاری دولتی

سرمایه‌داری انحصاری به سرمایه‌داری انحصاری دولتی تبدیل می‌شود، یک سری از کشورها در فشار مناسبات، به کشورهای تنظیم‌کننده عمومی تولید و توزیع تبدیل می‌شوند، بعضی دیگر وظیفه کار عمومی را انجام می‌هند. پیش از جنگ انحصار Trusts و سندیکاها وجود داشتند، در جریان جنگ - انحصار دولتی. («سخنرانی در مورد قطعنامه درباره شرایط کنونی» - لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۴ - صفحه ۲۹۸)

### اهمیت مسئله دولت

مسئله دولت در حال حاضر از نقطه نظر تئوریک و هم چنین به لحاظ عملی اهمیت ویژه‌ای کسب می‌کند. جنگ امپریالیستی، پروسه تبدیل سرمایه‌داری انحصاری به سرمایه‌داری انحصاری دولتی را فوق‌العاده سرعت بخشید و تشدید کرد. به بردگی کشیدن سهمگین توده‌های زحمتکش که توسط دولتی که هر دم صمیمانه‌تر با اتحادیه‌های هم‌توان سرمایه‌داران بیشتر ادغام می‌شود، دم به دم سهمگین‌تر می‌شود. کشورهای پیشرفته - منظور ما «عقبگاه» (Hinterland) این کشورها است - برای کارگران تبدیل به زندان‌های نظامی با اعمال شاقه می‌شود. (پیشگفتار چاپ نخست «دولت و انقلاب» لنین - ۱۹۱۷ - مجموعه آثار - جلد ۲۵ - صفحه ۳۹۵)

### امپریالیسم و اجتماعی کردن تولید

سرمایه‌داری در مرحله امپریالیستی خود به جامع‌ترین وضعی به تولید کاملاً جنبه‌ی اجتماعی می‌دهد و سرمایه‌داران را علی‌رغم اراده و شعور آنان به یک

نوع نظام اجتماعی نوینی می‌کشاند که عبارت است از مرحله انتقال از آزادی کامل رقابت به اجتماعی شدن کامل. («امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۰۹)

### امپریالیسم به مثابه مرحله پیشا سوسیالیسم

جنگ امپریالیستی شب پیش از انقلاب سوسیالیستی است (...). زیرا سرمایه‌داری انحصاری دولتی تدارک کامل مادی سوسیالیسم و مرحله‌ای مقدماتی بلاواسطه آن است، زیرا به هیچ وجه مراحل تاریخی دیگری بین این مرحله و مرحله‌ای، که سوسیالیسم نامیده می‌شود، وجود ندارد. («فاجعه تهدید کننده و طریقی که می‌بایست علیه آن مبارزه شود» - لنین - سپتامبر ۱۹۱۷ - مجموعه آثار - جلد ۲۵ - صفحه ۳۷۰)

### تدارک مادی سوسیالیسم

مکانیسم رهبری اقتصادی اجتماعی امور در اینجا دیگر آماده است. با سرنگون ساختن سرمایه‌داران، در هم شکستن مقاومت این استثمارگران با مشت آهنین کارگران مسلح و خرد کردن ماشین بوروکراتیک دولت مدرن - در برابر ما مکانیسمی پدید می‌آید که از لحاظ فنی به درجه‌ای عالی مجهز و عاری از وجود «انگل» است، مکانیسمی که خود کارگران متحد می‌توانند آن را به کار اندازند. («دولت و انقلاب» - لنین - سپتامبر ۱۹۱۷ - مجموعه آثار - جلد ۲۵ - صفحه ۴۳۹ - ۴۴۰)

### امپریالیسم و اپورتونیسم

#### بنیان مادی اپورتونیسم

امپریالیسم (...). امکان اقتصادی تطمیع اقشار بالائی پرولتاریا را به وجود

می‌آورد، آن را می‌پروراند، شکل می‌دهد و بدین وسیله به اپورتونیزم استحکام می‌بخشد. فقط نباید آن نیروهای مؤثر علیه امپریالیسم به طور عام و علیه اپورتونیزم به طور خاص را که هوبسن Hobson سوسیال لیبرال طبعاً آن‌ها را نمی‌بیند، فراموش کرد. ((امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری)) - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۲۸۶)

### همسانی اپورتونیزم و سوسیال شونیزم

کائوتسکی سیاست امپریالیسم را از اقتصادش جدا می‌کند، انحصارگری در سیاست را از انحصارگری در اقتصاد جدا می‌کند، تا برای رفرمیسم بورژوائی ساده خود، مثل «خلع سلاح»، «اولترامپریالیسم» و مزخرفاتی همانند، جاده را هموار کند. مفهوم و هدف این جعل تئوریک فقط و تنها برای این است، که عمیق‌ترین تضادهای امپریالیسم را بپوشاند و بدین طریق تئوری «وحدت» با مبلغین امپریالیسم، سوسیال شونیزست‌ها و اپورتونیزست‌های آشکار را توجیه نماید. ((امپریالیسم و انشعاب سوسیالیسم)) - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۳ - صفحه ۱۰۴)

### سوسیال شونیزم به مثابه اپورتونیزم کامل

این جریان - سوسیالیسم در حرف، شونیزم در عمل - توسط انطباق دنی و جیرمخوارانه «رهبران سوسیالیسم» با خواست‌های نه فقط بورژوای ملی «خودشان» بلکه مشخصاً با دولت «شان» نیز مشخص شده است. (پیشگفتار چاپ نخست «دولت و انقلاب» - لنین - ۱۹۱۷ - مجموعه آثار - جلد ۲۵ - صفحه ۳۹۵ - ۳۹۶)

### مبارزه اجتناب ناپذیر علیه اپورتونیزم

از این دیدگاه، خطرناک‌ترین مردمان آن‌هائی هستند که نمی‌خواهند بفهمند، که اگر مبارزه علیه امپریالیسم جدائی ناپذیر با مبارزه علیه اپورتونیزم گره نخورد، پوچ گوئی تو خالی و دغلکارانه‌ای بیش نیست. ((امپریالیسم به مثابه بالاترین

مرحله سرمایه‌داری» - لنین - نوشته شده در آغاز سال ۱۹۱۶ - مجموعه آثار - جلد ۲۲ - صفحه ۳۰۷)

### امپریالیسم و وظائف سوسیالیسم

#### به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت

امپریالیسم دوران تشدید استثمار ملل جهان توسط تعداد انگشت شماری از قدرت‌های «بزرگ» است، و بدین جهت مبارزه برای انقلاب بین‌المللی سوسیالیستی علیه امپریالیسم بدون به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملت‌ها غیر ممکن است. «خلفی، که بر خلق دیگری ستم می‌کند، نمی‌تواند خودش آزاد باشد.» (مارکس و انگلس). پرولتاریائی، که فقط با اندک اعمال قهر ملت «اش» علیه ملل دیگر کنار بیاید، نمی‌تواند سوسیالیست باشد. («سوسیالیسم و جنگ» - لنین - نوشته شده در ژوئیه تا اوت ۱۹۱۵ - مجموعه آثار - جلد ۲۱ - صفحه ۳۱۸)

#### رد اصولی هر شوونیسمی

در قرن ما محوری که مسئله حق تعیین سرنوشت ملل بر گرد آن می‌چرخد، موضع سوسیالیست‌های ملل ستمگر است. سوسیالیستی که به یک ملت ستمگر (انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن، روسیه، ایالات متحده آمریکا و غیره) تعلق دارد و حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم را بر سرنوشت خویش (یعنی جدا شدن آزادانه) به رسمیت نمی‌شناسد و آن را نمایندگی نمی‌کند، در واقع سوسیالیست نیست، بلکه یک شوونیست است. («مسئله صلح» - لنین - نوشته شده در جولای تا اوت ۱۹۱۵ - مجموعه آثار - جلد ۲۱ - صفحه ۲۹۲)

#### اهمیت مبارزه به خاطر آزادی و دموکراسی

بدون آزادی سیاسی تکامل کامل نیروهای مولده در جوامع مدرن بورژائی و مبارزه طبقاتی همه جا کسترده، آشکار و آزاد، روشنگری سیاسی و تربیت و پیوند توده پرولتاریا به هم، قابل فهم نیست. بدین جهت پرولتاریای به لحاظ طبقاتی

آگاه دائماً انجام وظیفه مبارزه مصممانه برای آزادی کامل سیاسی، برای انقلاب دموکراتیک را در مقابل خود قرار می‌دهد. «وظائف دموکراتیک پرولتاریای انقلابی» - لنین - ۱۷. (۴) ژوئن ۱۹۰۵ - مجموعه آثار - جلد ۸ - صفحه ۵۱۳)

### رهائی توده‌ها از توهّم

طبیعتاً مبارزه در جهت سرنگونی امپریالیسم مشکل است، لذا توده‌ها می‌بایست حقیقت را درباره مبارزه سخت ولی ضروری بشناسند. توده‌ها نمی‌بایست به وسیله امید به صلح بدون از بین بردن امپریالیسم به خلسه فرو روند. («به کمیسون بین‌المللی سوسیالیستی» - لنین - سپتامبر ۱۹۱۵ - مجموعه آثار - جلد ۲۱ - صفحه ۳۸۰)

### انترناسیونالیسم پرولتری (۱)

ملی‌گرائی خرده بورژوازی مدعی‌ست، که تنها شناسائی برابری ملت‌ها، انترناسیونالیسم است، (بگیریم از این که چنین به رسمیت شناختنی فقط یک به رسمیت شناختن زبانی است) و خود خواهی ملی را دست نخورده باقی می‌گذارد، در حالی که انترناسیونالیسم پرولتری می‌طلبد: یکم، که درخواست‌های مبارزات پرولتری در هر کشوری، در خدمت درخواست‌های مبارزات پرولتری در ابعاد جهانی قرار گیرد. دوم: ملتی که بر بورژوازی پیروز می‌شود، قادر و آماده است، که برای سرنگونی سرمایه بین‌المللی بزرگترین قربانی ملی را هدیه کند. («طرح تزهائی جهت مسائل ملی و مستعمراتی» - لنین - انتشار در ژوئن ۱۹۲۰ - مجموعه آثار - جلد ۳۱ - صفحه ۱۳۶ - ۱۳۷)

### انترناسیونالیسم پرولتری (۲)

انترناسیونالیسم به معنی بریدن از سوسیال‌شوینیست‌های خودی است (یعنی از دفاع‌کنندگان وطن)، و بریدن از دولت امپریالیستی خودی، یعنی مبارزه انقلابی علیه این دولت، یعنی سرنگونی‌اش، یعنی آمادگی برای دادن بزرگترین قربانی ملی (حتی صلح برست)، وقتی که این قربانی به رشد انقلاب کارگری بین‌المللی خدمت می‌کند. «انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد» - لنین - اکتبر ۱۹۱۸ - مجموعه آثار - جلد ۲۸ - صفحه ۱۰۱)

## سلسله راه انقلابی

مسائل مارکسیسم - لنینیسم

ارگان حزب مارکسیست - لنینیست آلمان (MLPD)

یک خط مشی پیریزی شده در طی بیش از ۴۰ سال

ویلی دیکهوت Willi Dickhut، پیشگام و از بنیان گذاران حزب مارکسیست - لنینیست آلمان (MLPD)، درباره اهمیت اصولی این سلسله : « هر شماره یک مسئله معین زمان ما را بررسی می نماید که در مرکز توجه قرار دارد، و همه با هم سیستمی برای حل عملی وظائف زمان حاضر را تشکیل میدهند . محتوای ارگان تنوریک ما، نه یک رساله مجرد تنوریک ، بلکه یک وحدت دیالکتیکی اصول مارکسیستی - لنینیستی و ده ها سال تجارب عملی فعالیت کمونیستی میباشد . بر پایه مارکسیسم - لنینیسم، در ارگان تنوریک راه انقلابی REVLUIONÁRER WEG دگرگونی های زمان حاضر تجزیه و تحلیل ، آگاهی های جدید ی کسب و از نظر تنوریک بیشتر تکامل داده شدند.»



ویلی دیکهوت (Willi Dickhut)

سر دبیر هیئت تحریریه

راه انقلابی

تا سال ۱۹۹۲

## کتاب سپیده دم انقلاب بین‌المللی سوسیالیستی

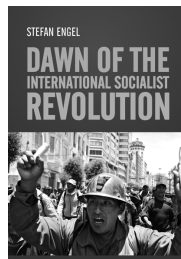
راه انقلابی. ۳۲ - ۳۴

چاپ کتابی

انتشارات بین‌المللی و ترجمه‌ها درباره همین موضوع

به انگلیسی، اسپانیایی، فرانسوی، ترکی،

روسی، فارسی، عربی.



## غروب خدایان بر فراز «نظم نوین جهانی»

این کتاب منتشر شده در سال ۲۰۰۳، سازمان نوین تولید

بین‌المللی سرمایه‌داری را از سال‌های ۹۰ قرن گذشته و هم چنین

تأثیرات اقتصادی، سیاسی و نظامی آن را بر سیستم جهانی

امپریالیستی بررسی می‌کند.

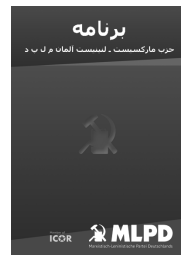


## برنامه حزب مارکسیست - لنینیستی آلمان (MLPD)

این برنامه حزب در کنگره دهم به تصویب رسیده است. این

تأییدی است بر برنامه ما در کنگره مؤسس سال ۱۹۸۲. این

برنامه بروز و بسط داده شده برنامه کنگره ۱۹۸۲ می‌باشد.



## پیروزی‌های فنا ناپذیر در امر ساختمان سوسیالیسم

جزوه «پیروزی‌های فنا ناپذیر در امر ساختمان سوسیالیسم» بخشی از کتاب

«سپیده دم انقلاب جهانی سوسیالیستی» است. این جزوه، دموکراسی

سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا را در اتحاد شوروی بعد از انقلاب

اکتبر بررسی می‌کند. در عین حال این اثر به تولید سوسیالیستی، سرشت

اجتماعی سوسیالیسم، فرهنگ و آزادی زن نیز می‌پردازد.



شماره 1-3 / 1970 سه برنامه - سه سند رویزیونیسیم و اپورتونیسیم. راه به سوی سوسیالیسم. ضد استبداد و جنبش کارگری - 204 صفحه.

شماره 4 + 5 / 1970 ساختمان حزب و مبارزه بر سر خط مشی پرولتری - 207 صفحه.

شماره 6 / 1971 اسلوب دیالکتیک در جنبش کارگری - 113 صفحه.

باز سازی سرمایه‌داری در اتحاد شوروی (شماره 7 - 9)

شماره 7 / 1971 طبقه بورژوازی نوین - 85 صفحه.

شماره 8 / 1972 اقتصاد جدید سرمایه‌داری - 133 صفحه.

شماره 9 / 1972 سوسیال امپریالیسم - 180 صفحه.

شماره 10 / 1973 برخی از پرسش‌های اساسی ساختمان حزب - 66 صفحه.

شماره 11 + 12 / 1973 اتحادیه‌های کارگری و مبارزه طبقاتی - 374 صفحه.

شماره 13 + 14 / 1974 توسعه اقتصادی و مبارزه طبقاتی - 215 صفحه.

شماره 15 / 1976 مبارزه با انحلال طلبی - 116 صفحه.

سرمایه‌داری انحصاری دولتی در جمهوری فدرال آلمان BRD (شماره 16 - 19)

شماره 16 / 1977 تکامل سرمایه‌داری رقابت آزاد به سرمایه‌داری انحصاری دولتی - 150 صفحه.

شماره 17 / 1977 قدرت اقتصادی در سرمایه‌داری انحصاری دولتی - 200 صفحه.

شماره 18 / 1978 قدرت سیاسی و نظامی در سرمایه‌داری انحصاری دولتی - 281 صفحه.

شماره 19 / 1979 سرمایه‌داری انحصاری دولتی، سوسیالیسم و رویزیونیسیم مدرن - 260 صفحه.

شماره 20 + 21 / 1981 استراتژی و تاکتیک در مبارزه طبقاتی - جمعاً 392 صفحه.

شماره 22 / 1983 جنگ و صلح و انقلاب سوسیالیستی - 317 صفحه.



شماره 23 / 1984 بحران‌ها و مبارزه طبقاتی - 292 صفحه.

شماره 24 / 1988 وحدت دیالکتیکی تئوری و پراتیک - 363 صفحه.

شماره 25 / 1993 نو استعمار و دگرگونی‌ها در مبارزه رهایی بخش - 335 صفحه.

شماره 26 / 1995 مبارزه بر سر شیوه تفکر در جنبش کارگری - 288 صفحه.

**مبارزه طبقاتی و مبارزه بر سر رهایی زن (شماره 27 / 28)**

شماره 27 / 1999 بنیان‌های اجتماعی برای استثمار و ستم ویژه زن در سرمایه‌داری.

**ضمیمه: گردآوری نقل قول‌های مهم پیرامون موضوع.**

شماره 28 / 2000 جنبش پرولتری و بورژوائی زنان. مبارزه بر سر رهایی زن و سوسیالیسم - جمعاً 426 صفحه.

**سازمان نوین تولید بین‌المللی (شماره 29 - 31).**

شماره 29 / 2003 دگرگونی‌های مهم در اقتصاد سیاسی امپریالیسم.

شماره 30 / 2003 سازمان نوین تولید بین‌المللی فاز جدیدی را در تکامل امپریالیسم آغاز می‌نماید.

شماره 31 / 2003 سازمان نوین تولید بین‌المللی بحران سیستم جهانی امپریالیسم را حدث می‌بخشد - جمعاً 592 صفحه.

**استراتژی و تاکتیک انقلاب جهانی سوسیالیستی (شماره 32 - 34).**

شماره 32 / 2011 استراتژی پرولتری و کاراکتر بین‌المللی انقلاب سوسیالیستی.

شماره 33 / 2011 استراتژی و تاکتیک سرمایه مالی بین‌المللی در مبارزه طبقاتی علیه پرولتاریای بین‌المللی و متحدین آن.

شماره 34 / 2011 استراتژی و تاکتیک مارکسیستی - لنینیستی انقلاب جهانی - جمعاً 620 صفحه.

شماره 35 / 2014 مبارزه طبقاتی و مبارزه بر سر وحدت انسان و طبیعت - 332 صفحه.

سلسله راه انقلابی در مؤسسه انتشارات راه نوین منتشر می‌گردد.

**مؤسسه انتشارات راه نوین**

- ترقی خواهانه

- ضد فاشیستی

- انترناسیونالیستی

- مارکسیستی - لنینیستی

ادبیات و وسائل ارتباط جمعی

Alte Bottroper Str. 42, 45356 Essen. Tel.: 020125915

E-Mail: [www.people-to-people.de](http://www.people-to-people.de)

Webshop: [www.people-to-people.de](http://www.people-to-people.de)

هم چنین تعداد زیادی از شماره‌های **راه انقلابی**، در شکل کتاب یا در قالب CD-ROM وجود دارد

در کتاب « سپیده دم انقلاب بین المللی سوسیالیستی »  
برای اولین بار تر های مستدل کشورهای جدید امپریالیستی  
تدوین شد. وظیفه این جزوه ، اثبات علمی آن است.



اشتفان انگل متولد 1954، فلزکاریست دوره دیده که  
اکنون به عنوان ناشر آزاد کار می کند . او از  
1968 سازمان یافته برای سوسیالیسم واقعی  
قدم در راه گذارده و در ساختمان حزب فعال  
است ، او از سال 1975 یکی از نمایندگان  
رهبری کننده و تا 2017 رهبر درازمدت حزب نیز  
بود. اشفان انگل از سال 1992 سرپرستی  
ارگان تیوریگ حزب مارکسیست – لنینیست آلمان  
"راه انقلابی" را عهده دار است.